نسیم جنوب
سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۹۶
شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۳ ۱۲ صفحه – ۵۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)
www.nasimjonoub.com

به بهانهٔ درخشش ستارهٔ ایرانی در اینترمیلان ایتالیا

مهدی طارمی، پنجرهٔ معرفی استان بوشهر در اروپا



وفاق‌شکنی نفتی‌ها علیه مدیریت استان بوشهر



محکومیت ترور «شهید سید حسن نصرالله»

امام جمعه بوشهر و عضو مجلس خبرگان رهبری :

دفاع حق مشروع جمهوری اسلامی ایران است

محکومیت ترور «شهید سیدحسن نصرالله»



جمعی از مردم بوشهر برای بزرگداشت شهادت «سیدحسن نصرالله» و شماری از فرماندهان حزب الله و محکوم کردن صهیونیست‌های تروریست در ساحل خلیج فارس تجمع کردند.

فرماندار بوشهر در گفت و گو با ایرنا با تسلیت شهادت «سید حسن نصرالله» و شماری از فرماندهان در لبنان از جمله «شهید سردار نیلفروشان» اظهار کرد: در سراسر نقاط ایران و برخی از کشورهای اسلامی مراسم‌هایی به همین مناسبت‌ها برگزار شده و شهرستان بوشهر نیز از بدو این حادثه مراسم‌های باشکوهی برگزار کردند.

این مراسم‌ها از سوی مقام‌های مختلفی از جمله نماینده ولی فقیه در استان، استاندار، نیروهای مسلح و شورای قضایی استان بوشهر برگزار شد.

استاندار بوشهر:
هر حرکتی علیه ایران بی‌پاسخ نمی‌ماند

استاندار بوشهر گفت: «شهیدسید حسن نصرالله» با تقویت و سازماندهی حزب الله نقش مهمی در پیروزی‌های جبهه مقاومت بر عهده داشت.

«احمد محمدی زاده» روز دوشنبه در مراسم بزرگداشت «شهید سیدحسن نصرالله» و همراهان شهیدش در مصلی بوشهر اظهار کرد: جبهه حزب‌الله با یگان‌های مختلف و با انتخاب جانشین این سید مقاومت، آماده مقابله با اسراییل است.

وی افزود: «شهید سیدحسن نصرالله» با تلاش و پیگیری جهادی لبنان به هم ریخته را منسجم و احیا کرد.

وی گفت: دشمنان ایران در سراسر جهان باید بدانند که هر حرکتی علیه ایران بی پاسخ نمی ماند و با تمام توان در صحنه حاضر هستیم.

احمد محمدی‌زاده در گفت و گو با ایرنا ضمن قدردانی از سپاهیان غیور و سلحشور در پاسخ قاطع به رژیم صهیونیستی اظهار کرد: اقدام قاطع و سریع جمهوری اسلامی ایران علیه این رژیم متجاوز، امری بسیار ارزشمند است و هیچ متجاوزی در برابر نظام اسلامی، در امان نخواهد ماند.

وی افزود: این اقدام جمهوری اسلامی ایران، پاسخی کوبنده به جنایات اخیر رژیم غاصب و جعلی صهیونیسم است.

استاندار بوشهر تصریح کرد: امشب در تمام نقاط کشورمان از جمله بوشهر، دل دوستداران ایران، شاد شده و دشمنان در رعب و وحشت به سر می برند.

محمدی‌زاده ادامه داد: دشمن بداند که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با داشتن تجهیزات نظامی مناسب و با حمایت همه جانبه مردم، در بهترین شرایط رزمی قرار دارد.

امام جمعه بوشهر و عضو مجلس خبرگان رهبری :
دفاع حق مشروع جمهوری اسلامی ایران است

امام جمعه بوشهر و نماینده مردم تهران در مجلس خبرگان رهبری گفت: طبق ضوابط بین‌المللی دفاع از خود حق مشروع جمهوری اسلامی است.



به گزارش ایرنا، آیت‌الله غلامعلی صفایی بوشهری در جلسه درس خارج فقه با تبریک عملیات موفقیت‌آمیز وعده صادق ۲ علیه اشغالگران قدس اظهار کرد: اگر رژیم کودک کش و جعلی اسرائیل بخواهد کوچکترین تعرض به نظام جمهوری اسلامی ایران کند با چند برابر حجم حمله موشکی شب گذشته مواجه خواهد شد و تمامی منافع این رژیم در منطقه به خطر خواهد افتاد.

وی افزود: ایران همیشه آماده دفاع از خود با تمام قدرت است و هرگز اقدام اولیه به جنگ نخواهد کرد.

امام جمعه بوشهر با قدردانی از عملیات موفق وعده صادق ۲ تصریح کرد: اسرائیل جنایتکار اگر اقدامی کند، با پاسخ چند برابر از حجم حمله موشکی شب گذشته روبه‌رو خواهد شد.

صفایی بوشهری یادآور شد: عملیاتی که توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران انجام شد، پاسخی ابتدایی به چند جنایت رژیم اشغالگر در رابطه با ایران بود.

نماینده ولی فقیه در استان بوشهر با اشاره به ترور شهید هنیه و حمله به مستشاران نظامی ایران گفت: اگر جمهوری اسلامی ایران بخواهد پاسخ دهد، به چند برابر حجم تهاجم موشکی که به آن شده است، پاسخ خواهد داد.

وی ضمن اعلام حمایت از عملیات وعده صادق ۲ گفت: به مقام معظم رهبری این موضوع را عرضه می‌داریم که هر فرمانی که معظمله عنایت داشته باشند، با تمام وجود در خدمت هستیم و در خط مقدم این فرمان برای اجرا خواهیم بود.

دستاورد ویژه سفر رییس جمهور به قطر برای بوشهری‌ها

دکتر پزشکیان رئیس جمهور کشورمان در سفر به کشور قطر در حالی چندین تفاهم نامه همکاری با امیر این کشور به امضا رساند که یک دستاورد ویژه‌ای نیز برای بوشهری‌ها به همراه داشت.

به گزارش ایرنا، شهرستان دیر در ۲۰۰ کیلومتری مرکز استان بوشهر با داشتن ۱۷۵ کیلومتر فاصله با بندر الرئویس قطر، نزدیک ترین فاصله را بین بنادر جنوبی ایران با این شیخ نشین حاشیه خلیج فارس دارد.

به دلیل موقعیت استراتژیک و مهم دیر که به عنوان بزرگترین بندر صیادی ایران نیز شناخته می شود، از ۳ سال گذشته موضوع استفاده از این بندر به عنوان دروازه ورودی به قطر به شکل کاربردی مورد توجه قرار گرفت به گونه ای که زمینه آمد و رفت هیات های مختلف تجاری و سیاسی بین دو کشور ایجاد کرد.



حضور هیات‌های عالی رتبه متشکل از رئیس سازمان بنادر قطر، مدیر بندری الرویس، معاون مدیر بندری اطلاعات بندر الرویس، مدیر بخش مطالعات و امور بین‌الملل، رییس بخش گمرک بندر الحمد و رییس بازرسی ایکس ری بندر الحمد به منظور ارزیابی ظرفیت‌های بندری و دریایی بندر دیر فقط گوشه‌ای از نگاه ویژه قطری‌ها برای استفاده از این بندر در مبادلات اقتصادی مستقیم با ایران و ترانزیت کالا از سایر کشورها در این سه سال بوده است.

این رفت و آمدهای دیپلماتیک اقتصادی و هیات‌های تجاری هر دو کشور سبب شد تا پس از سه سال تلاش‌های کارشناسی، امروز چهارشنبه ۱۱ مهرماه شاهد امضا تفاهم‌نامه همکاری در طرح توسعه بندر دیر به همراه پنج تفاهم‌نامه دیگر بین دکتر پزشکیان رئیس‌جمهور کشورمان با شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر در دوحه باشیم.

استاندار بوشهر شامگاه چهارشنبه در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: سطح مراودات جمهوری اسلامی با کشور دوست، برادر و مسلمان قطر در بهترین شرایط قرار دارد به گونه‌ای که کشورمان در مقاطع مختلف نقش ویژه‌ای در لجستیک و تامین کالا برای این کشور بر عهده دارد.

احمد محمدی‌زاده افزود: سطح ارتباطات تجاری ایران با قطر در طی چند سال گذشته از بندر دیر بوشهر استمرار داشته به گونه‌ای که در جام جهانی ۲۰۲۴، از این بندر به عنوان پشتیبان ترانزیتی کالا و همچنین صادرات کالاهای ایران به قطر استفاده شده و اکنون نیز روزانه چندین کانتینر تره‌بار از مبدا بندر دیر به قطر ارسال می‌شود.

وی اضافه کرد: با علم به علاقمندی طرف قطری به ارتقا سطح تجارت با ایران از طریق بندر دیر، پیش از انعقاد تفاهم نامه همکاری در طرح توسعه بندر دیر، اقدامات مهم و زیرساخت برای ارتقا سطوح مختلف بندر دیر توسط مسئولان استان آغاز شد که ساخت چهار پست اسکله‌های رمپ جدید با اعتبار ۵۵۰ میلیارد ریال بخشی از آن بوده است.

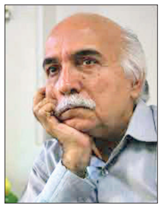
استاندار بوشهر اضافه کرد: از این چهار اسکله، یک اسکله در هفته دولت به اتمام رسیده و سایر اسکله‌های در دست احداث نیز پیشرفت خوبی دارند.

محمدی زاده یادآور شد: با امضا تفاهم نامه همکاری در توسعه بندر دیر که امروز به امضا رئیس جمهور و امیر قطر رسید شاهد دریچه جدیدی از سرمایه‌گذاری قطر در این استان خواهیم بود. بعد از امضا تفاهم‌نامه، قراردادهایی ذیل آن شکل می‌گیرد که نوع سرمایه‌گذاری‌ها در آن لحاظ می‌شود.

استاندار بوشهر عنوان کرد: استان بوشهر دارای ظرفیت‌های ویژه‌ای در حوزه تجارت خارجی است که انتظار می‌رود با حضور قطری‌ها در این استان، سطح سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات غیرنفتی به نحو چشمگیری افزایش یابد.

درنگ دولت چهاردهم در تعیین استانداران؟

حسین حشمتی



حالا دو ماه از استقرار رئیس‌جمهور جدید می‌گذرد، اما علی‌رغم تأیید وزرای دولت دکتر پزشکیان از سوی مجلس دوازدهم و به دست گرفتن زمام امور وزارتخانه‌های ذی‌ربط، به نظر می‌رسد که انتصاب مدیران میانی به ویژه استانداران دچار تأخیر گردیده تا آن‌جا که تاکنون تنها دو استاندار یعنی کردستان و سیستان و بلوچستان منصوب و روانه محل مأموریت گردیده‌اند و تا این‌جای کار هنوز خبری از تعیین ۲۸ استاندار باقی‌مانده، از جمله استان بوشهر، منتشر نگردیده است.

از آن‌جایی که استانداران در هر استانی فی‌الواقع جانشین رئیس‌جمهور در استان‌های تحت مسئولیت خویش هستند، لذا تأخیر در انتصاب آنان موجب ایجاد بلاتکلیفی در انجام امور اجرایی در مرکز استان و شهرستان‌ها خواهد شد. به این دلیل که درست است که انجام کارهای اجرایی تابع یک سری قوانین و آئین‌نامه و دستورالعمل‌ها می‌باشد که به صورت روتین انجام می‌شوند، اما چون وزرا و مدیران عامل و رؤسای سازمان‌ها و شرکت‌ها و بانک‌های دولتی تازه منصوب شده ممکن است در رابطه با مسائل عمرانی یا مالی سلیقه خاصی داشته باشند، لذا مدیران کل میانی معمولاً منتظر دریافت خط‌مشی‌های جدید می‌مانند که همین تأمل منجر به عدم پرداخت صورت وضعیت پروژه‌های در دست اجرا گردیده و



پیمانکاران هم متقابلاً پرداخت دستمزد کارگران را به تأخیر می‌اندازند و لاجرم پروژه دچار توقف موقت یا درازمدت شود. کما این‌که پروژه بزرگراه شیراز/بوشهر دچار چنین وقفه‌ای گردیده است.

بدیهی است آن‌چه فوق به رشته تحریر درآمده به عنوان مشتی از خروار است تا مشخص شود که تأخیر در انتصاب استانداران و مدیران کل اجرایی تا چه اندازه مهم بوده و چه عواقب احتمالی را در بر خواهد داشت.

در بخش اجرایی مهم‌تر می‌توان به موضوع همسان‌سازی حقوق بازنشستگان تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری اشاره کرد که مسئولان استانی آن صندوق متعذرند که هنوز تأمین اعتبار نشده و مدیران ارشد ذیربط در ستاد مرکزی صندوق هم همین بهانه را داشتند و دارند که تاکنون دستورالعمل صدور احکام از وزارت کار صادر نگردیده و به محض دریافت شیوه‌نامه اجرایی از وزارت متبوعه بلافاصله اقدام خواهد شد و این در حالی است که احمد میدری وزیر وزارتخانه‌ی وسیع و پردامنه‌ای است که پس از دو ماه تازه رئیس دفتر وزارتی و چند معاون ستادی را منصوب نموده و هنوز مدیران عامل سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری و شرکت عظیم شستا را برنگزیده، چه رسد به این‌که دستور تدوین دستورالعمل همسان‌سازی را صادر نماید و همین است که بازنشستگان حداقل بگیر، دعای توسل می خوانند تا شاید فرجی حاصل شود.

بوشهری‌ها استاندار نخودی نمی‌خواهند

مرتضی کراماتی



در بگو مگوهای ماه‌های اخیر که موضوع انتخاب استانداران، فضای رسانه‌ای و گفتگوی محافل را به خود مشغول ساخته است، شاید اصلی‌ترین دغدغه ی همگان انتخاب استاندار بومی برای هر استان است و مردم استان بوشهرکه نجیب و شرافتمند هستند، یک‌صدا همین را فریاد می زنند که ما استاندار غیر بومی را نمی پذیریم. به نظر می‌رسد موضوع استاندار بوشهر و واکنش مردم و بویژه گروه‌های سیاسی منتسب به دکتر پزشکیان و حتا دیگر گروه‌های سیاسی این استان، برای وزیر محترم کشور هم تا حدودی مهم‌تر از دیگر مناطق کشور محسوب می‌شود چرا که پیشینه ی بایدها و نبایدهای بومی یا غیر بومی بودن فردی که بخواهد سکاندار این استان مهم کشور باشد و مرور اتفاقاتی که در این سه دهه، استانداران غیربومی که هر کدام چند صباحی در این استان خدمت کرده‌اند و مباحثی که از زبان و برنامه‌های پیدا و پنهان آنان به یادگار مانده، عقب ماندن این استان زرخیز در قیاس با استان‌های کم برخوردار از ثروت‌های عظیم خدادادی است. غیربومی بودن استاندار می‌تواند بحث‌ها و دغدغه‌هایی را منعکس کند که دلایل مختلفی از جمله مسائل فرهنگی، اقتصادی یا سیاسی ناشی می‌شود و دلیل نپذیرفتن استاندار غیر بومی و تاکید بر بومی بودن این‌که مردم بوشهر به این نتیجه رسیده‌اند که استاندار بومی بهتر می‌تواند به نیازها و ارزش‌های فرهنگی منطقه پاسخ دهد، با مسائل و مشکلات خاص منطقه آشناست و می‌تواند راه‌حل‌های موثرتری ارائه دهد و حضورش به ایجاد حس اعتماد و همدلی بیشتری بین مردم و دولت منجر شود. از دیگر دلائل حمایت بوشهری‌ها از نیروهای محلی این‌که نیروهای بومی باید فرصت‌های مدیریتی بیشتری داشته باشند تا به پیشرفت منطقه کمک کنند، با فرهنگ و نیازهای استان آشناست. استاندار بومی غالباً از فرهنگ، آداب و رسوم، و نیازهای محلی جامعه آگاه است. این آگاهی به تصمیم گیری‌های مناسب‌تر و مبتنی بر واقعیت‌های محلی کمک می کند. ارتباط نزدیک‌تر با مردم از دیگر خصوصیات استاندار بومی است. روابط نزدیک‌تر و موثرتری با مردم و گروه‌های مختلف جامعه می‌تواند در اجرای بهتر برنامه‌ها و سیاست‌ها مؤثر باشد. در بحث بهبود اعتماد عمومی هم انتخاب استاندار بومی می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به دولت و مقامات محلی کمک کند، چون مردم احساس می‌کنند فرزند خودشان امورشان را به دست گرفته است.

در موضوع کاهش هزینه‌ها و زمان یادگیری هم این را باید مد نظر داشت که استاندار بومی نیازی به زمان و هزینه زیاد برای یادگیری درباره جغرافیای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و مسائل آن ندارد، زیرا از قبل اطلاعات لازم را دارد و معمولاً شبکه گسترده‌ای از منابع و امکانات محلی را می‌شناسد و می‌تواند از آن‌ها به بهترین نحو استفاده کند و دارا بودن این اطلاعات درترویج پایداری اجتماعی و اقتصادی می‌تواند برنامه‌هایی را اجرا کند که با شرایط محلی سازگارتر باشند و به پایداری اجتماعی و اقتصادی منطقه کمک کنند. پس استاندار بومی خودی و استاندار غیربومی نخودی است و تاکید می‌کنم بوشهری‌ها استاندار نخودی نمی‌خواهند.

زندگی آگاهانه

ماهیچه موفقیت

حسین زیرراهی – مدرس توسعه فردی



کسانی که بدنسازی کار کرده‌اند می‌دانند برای رسیدن به حجمی از ماهیچه در بدن خود چند ماه یا سال باید بصورت روزانه تمرین کرد تا این ماهیچه به تدریج قوی شود. مثلا اگر قرار است پرس سینه بزنند روز اول مستقیم سراغ وزنه پنجاه کیلوگرم نمی‌روند. حتی اگر بتوانند با هر زحمتی آن را بالا ببرند این کار را نمی کنند چون می‌دانند این تمرین به آن‌ها آسیب می‌رساند. بنابراین از وزنه‌های پایین‌تر شروع کرده و به مرور زمان آن را اضافه کرده تا زمانی که به حداکثر توان خود می‌رسند.

این فرمول ورزشی برای زمینه‌های دیگری که انسان در آن تلاش می کند هم صدق می کند. یادگیری هنری مانند موسیقی، مهارت‌های شغلی، پول درآوردن، حتی آموزش و یادگیری و خلاصه هر دانش یا مهارتی که شما فکر کنید. ولی متاسفانه مشکلی که اغلب آدم‌ها دارند این است که حتما باید از یک سمت بام بیافتند. مثلا خیلی‌ها وارد رشته‌ای شده و مقداری پیشرفت می کنند و به نتایجی می‌رسند بعد از آن دیگر از آن سطح بالاتر نمی‌روند و به همان مقدار دلخوش هستند. بنابراین اگر طبق مثال وزنه‌برداری قرار بوده از بیست کیلوگرم شروع کرده و به صد برسند در وزنه پنجاه متوقف شده و جلوتر نمی‌روند. در این حالت توانمندی آن‌ها در آن رشته در همان حد متوسط بیشتر نمی‌شود. فقط خوشحال‌اند که بر کار خود مسلط هستند. مواردی مانند یک کارمند ساده، یک بقالی کوچک، یک هنرمند معمولی از این دست است.

گروه دوم که از آن سمت بام می‌افتند می‌خواهند ره صد ساله را یک شبه بروند. به فردی که ده یا بیست سال در آن رشته کار کرده و سرآمد شده نگاه می‌کنند و می‌گویند من این راه را در یک سال طی می‌کنم. فقط باید تلاش بیشتری بکنم و کارهای آنها را در زمان کمتری انجام دهم. این مانند این است که از ماهیچه بازوی خود بخواهی در یک ماه صد کیلوگرم را بلند کند. شب و روز کار می‌کنند، همه فعالیتهای دیگر خود را تعطیل کرده و چندین برابر حد طبیعی به خود فشار می‌آورند، ولی بعد از پایان آن دوره سرخورده، آسیب دیده، بی رمق و دلزده آن فعالیت را تعطیل می‌کنند.

در هر دو این حالت‌ها ماهیچه موفقیت رشد نمی‌کند. در اولی کاری از آن کشیده نمی‌شود. در دومی آن‌قدر کار می‌کشند که فرصت رشد پیدا نکرده و فقط آسیب می‌بینند. ولی روش درست این است که همیشه مقداری سختی در کار باشد. به محض این‌که آن سختی تبدیل به آسانی شد باید دوباره به آن اضافه کرد. مثلا شما در سال دویست و پنجاه میلیون تومان درآمد دارید. اگر فرض کنیم نرخ تورم صفر است اگر هر سال عدد هدف شما همین‌قدر باشد بعد از چند سال انجام آن برای‌تان آسان می‌شود. ولی اگر هر سال ده درصد هدف خود را بالا ببرید هم قابل کسب خواهد بود و هم ماهیچه موفقیت شما که ترکیبی از تلاش، دانش، مهارت و توانمندی‌های شماست به اندازه آن مقدار رشد می کند و انجام آن برایتان راحت می‌شود. ولی اگر روی آن عدد بمانید یا یک‌باره آن‌را ده برابر کنید فرصت رشدی برای ماهیچه موفقیت شما بوجود نمی‌آید.

تحلیلی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نقش نهادهای نظارتی در کاهش حوادث

ایمنی در ایران

محی‌الدین حسینی‌مقدم



مقدمه: ایمنی در محیط‌های کار و ترافیک یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع مدرن است. در ایران، وقوع حوادث مکرر در حوزه‌های مختلف از جمله محیط‌های کاری و جاده‌ها، زنگ خطری برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ضرورت بازنگری در سیاست‌های نظارتی و مدیریتی است. این مقاله به تحلیل علمی‌پژوهشی این مسئله می‌پردازد و با بهره‌گیری از ادبیات نظری مرتبط با مسئولیت اجتماعی، سیستم‌های نظارتی و مدیریت بحران، ابعاد مختلف این حوادث را بررسی و راهکارهایی برای کاهش آن‌ها ارائه می‌کند.

چارچوب نظری: مسئولیت اجتماعی و نظارت دولتی

مسئولیت اجتماعی (Corporate Social Responsibility) یکی از مفاهیم کلیدی در مدیریت سازمان‌هاست که بر التزام سازمان‌ها و نهادهای دولتی به رعایت اصول اخلاقی و ایمنی در فعالیت‌های خود تأکید دارد. کارول (۱۹۹۱) در مدل کلاسیک خود از مسئولیت اجتماعی، چهار سطح را تعریف می‌کند: مسئولیت اقتصادی، حقوقی، اخلاقی و بشردوستانه. در زمینه حوادث ناشی از کار و تصادفات ترافیکی، دو سطح حقوقی و اخلاقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این سطوح بر رعایت قوانین ایمنی، نظارت مستمر بر فعالیت‌ها و همچنین توجه به حقوق و سلامت افراد در محیط‌های کاری و جاده‌ها تأکید دارند.

نظارت دولتی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی در مدیریت ایمنی، نقش مهمی در کاهش حوادث دارد. هاوسر (۲۰۰۸) در نظریه‌ی نظارت و کنترل، بیان می‌کند که سیستم‌های نظارتی کارآمد باید علاوه بر اعمال مقررات، به ارزیابی مستمر عملکردها و فرایندها بپردازند تا از بروز حوادث و فجایع جلوگیری شود. در ایران، ضعف نظارت دولتی به‌ویژه در حوزه‌های کار و ترافیک، یکی از عوامل کلیدی در وقوع این حوادث است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

تحلیل حوادث ناشی از کار: ضعف‌های سیستماتیک و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

حوادث ناشی از کار، به‌ویژه در بخش‌هایی همچون معادن، نشان‌دهنده ضعف در رعایت اصول ایمنی و فقدان نظارت کارآمد است. طبق گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO)، رعایت اصول ایمنی در محیط‌های کاری نیازمند آموزش مداوم نیروی کار، نظارت مستمر بر تجهیزات و فرآیندهای کاری، و ارتقای زیرساخت‌های ایمنی است. در ایران، عدم رعایت این اصول منجر به وقوع حوادث مکرری همچون ریزش معادن یا سقوط تجهیزات شده است که نشان‌دهنده ضعف در مدیریت ریسک و مدیریت بحران است.

با توجه به نظریه‌های مدیریت بحران، به‌ویژه مدل میتروف و انسترانگ (۲۰۰۰)، سه مرحله کلیدی در جلوگیری از حوادث وجود دارد: پیشگیری، آمادگی و واکنش. در ایران، به نظر می‌رسد که ضعف در مرحله پیشگیری و آمادگی نقش عمده‌ای در وقوع این حوادث دارد. عدم اجرای دقیق قوانین ایمنی، نبود آموزش‌های مؤثر و ناکارآمدی سیستم‌های نظارتی از جمله عواملی هستند که نیازمند بازنگری و تقویت جدی هستند.

حوادث ترافیکی: بین بحران فرهنگی و نقص زیرساخت‌ها

تصادفات ترافیکی در ایران یکی از چالش‌های جدی جامعه است که هر ساله جان هزاران نفر را می‌گیرد. طبق نظریه‌های رفتارشناسی اجتماعی، فرهنگ رانندگی و رعایت قوانین ترافیکی نقش مهمی در کاهش تصادفات دارد. راجرز (۱۹۸۳) در نظریه‌ی پذیرش نوآوری، بیان می‌کند که برای تغییر رفتارهای اجتماعی، نیاز به آموزش و تقویت انگیزه‌های درونی افراد است. در ایران، عدم رعایت قوانین رانندگی و ضعف در آموزش رانندگان از جمله عواملی است که به افزایش تصادفات دامن می‌زند.



از سوی دیگر، نظریه زیرساخت‌ها (Infrastructure Theory)، که توسط مارشال و ویلیامز (۲۰۰۲) مطرح شده است، تأکید دارد که زیرساخت‌های مناسب جاده‌ای و سیستم‌های هوشمند ترافیکی می‌توانند به کاهش چشمگیر تصادفات کمک کنند. در ایران، نقص‌های جدی در زیرساخت‌های جاده‌ای، نبود علائم هشداردهنده کافی و عدم استفاده از فناوری‌های نوین ترافیکی از دیگر عواملی است که به افزایش تصادفات کمک کرده است.

راهکارها: تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بهبود سیستم‌های نظارتی برای کاهش حوادث ناشی از کار و تصادفات ترافیکی، نیازمند رویکردهای جامع و سیستماتیک هستیم. بر اساس ادبیات نظری مرتبط با مدیریت بحران و مسئولیت اجتماعی، راهکارهای زیر می‌تواند به کاهش این حوادث کمک کند:

۱.افزایش آموزش و فرهنگ‌سازی: با توجه به نظریه‌های رفتاری و پذیرش نوآوری، برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر برای کارگران و رانندگان و ترویج فرهنگ ایمنی و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی از اهمیت بالایی برخوردار است.

۲.تقویت نظارت و اجرای قوانین: بر اساس نظریه نظارت و کنترل، نظارت مستمر و دقیق بر رعایت قوانین ایمنی در محیط‌های کاری و جاده‌ها ضروری است. وزارتخانه‌های مرتبط باید با بهره‌گیری از سیستم‌های نظارتی هوشمند و ارزیابی مداوم، از وقوع حوادث جلوگیری کنند.

۳.بهبود زیرساخت‌ها: با توجه به نظریه زیرساخت‌ها، توسعه و بهبود زیرساخت‌های جاده‌ای و محیط‌های کاری از جمله اولویت‌های کلیدی است. این شامل به‌روزرسانی تجهیزات، راه‌اندازی سیستم‌های هوشمند ترافیکی و همچنین ارتقای زیرساخت‌های ایمنی در معادن و کارخانه‌ها می‌شود.

۴.شفافیت و انتشار گزارش‌های دقیق: یکی از اصول کلیدی در مدیریت بحران و مسئولیت اجتماعی، شفافیت و انتشار گزارش‌های دقیق از حوادث است. این گزارش‌ها می‌توانند به درس‌گیری از گذشته و جلوگیری از تکرار حوادث کمک کنند.

نتیجه‌گیری: حوادث ناشی از کار و تصادفات ترافیکی در ایران نشان‌دهنده ضعف در مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ناکارآمدی سیستم‌های نظارتی است. بر اساس ادبیات نظری مرتبط، تقویت نظارت، بهبود زیرساخت‌ها، و افزایش آموزش و فرهنگ‌سازی از جمله راهکارهای کلیدی برای کاهش این حوادث است. ایمنی، به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین هر فرد، باید در اولویت سیاست‌های عمومی قرار گیرد تا بتوانیم به سوی آینده‌ای ایمن‌تر و پایدارتر حرکت کنیم.

منابع

1. Carroll, A. B. (1991). The pyramid of corporate social responsibility: Toward the moral management of organizational stakeholders. *Business Horizons*, 34(4), 39-48.
2. Hauser, J. R. (2008). A theory of monitoring and control. *Journal of Monitoring Systems*, 56(2), 123-145.
3. Mitroff, I. I., & Anstrong, G. (2000). Managing Crises Before They Happen: What Every Executive and Manager Needs to Know About Crisis Management. *AMACOM*.
4. International Labour Organization (ILO). (2020). Safety and health at work: Global trends and challenges. *ILO Report*.
5. Rogers, E. M. (1983). Diffusion of Innovations. *Free Press**.
6. Marshall, T., & Williams, D. (2002). Infrastructure Theory: A Comprehensive Framework for Urban Planning. *Journal of Urban Development*, 14(3), 87-104.

گفت‌وگو با مریم پاپری مدیر رصدخانه مهر بوشهر:

از افول ستاره «رصدخانه مهر» جلوگیری کنیم!



– لطفاً خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی بفرمایید.

– مریم پاپری هستم، متولد اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۷۸ از شهر برازجان. فارغ‌التحصیل رشته علوم تربیتی با گرایش آموزش ابتدایی از دانشگاه تربیت معلم بوشهر هستم و پس از فارغ‌التحصیلی در پژوهش‌سرا (رصدخانه مهر) آغاز به کار کردم. سابقه فعالیتم در رصدخانه به سال ۱۳۹۷ برمی‌گردد و از سال ۱۴۰۱ تاکنون مدیریت رصدخانه مهر را بر عهده دارم. در حال حاضر عضو رسمی اتحادیه بین‌المللی ستاره‌شناسی (IAU) در پاریس، نماینده شبکه جهانی آموزش ستاره‌شناسی (NASE)، عضو مرکزی کارگروه روز نجوم در مدرسه (Astronomy day in school) و نماینده مرکز نجوم برای آموزش (OAE) آلمان در ایران هستم.

– مختصری از تاریخچه رصدخانه مهر را شرح دهید.

– رصدخانه مهر از سال ۱۳۸۴ تأسیس شده است و تاکنون نیز به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. این مرکز به عنوان پژوهش‌سرای دانش‌آموزی، زیر نظر اداره آموزش و پرورش منطقه دلوار است و طی سالیان اخیر دستاوردهای چشمگیری در حوزه ملی و بین‌الملل کسب نموده است. از جمله افتخارات رصدخانه مهر می‌توان اشاره کرد به حضور در جشنواره علم اروپا که سال ۱۴۰۰ در شهر گرانادای اسپانیا برگزار شد؛ همچنین حضور در مجمع عمومی سال ۱۴۰۱ اتحادیه بین‌المللی ستاره‌شناسی که در شهر بوسان کره جنوبی برگزار گردید و نیز حضور در ۳۸۶مین سمپوزیوم ستاره‌شناسی شهر آدیس آبابا کشور اتیوپی در سال ۱۴۰۲.

رصدخانه مهر به علت دارا بودن نیروی متخصص و همچنین ابزارهای پیشرفته برای نخستین‌بار بخش رصد آنلاین را به دوره‌های ستاره‌شناسی شبکه جهانی آموزش ستاره‌شناسی (NASE) در اسپانیا افزود و پس از آن نیز رصدهای آنلاین متعدد را برای شهروندان ایران نیز برگزار نمود.

رصدخانه مهر به عنوان قطب نجوم استان بوشهر همواره در راستای توسعه و آموزش علم نجوم به شهروندان ایرانی کوشا بوده است. فعالیت‌های این مرکز در قالب برگزاری شب‌های رصدی در سطح شهرهای مختلف ایران و همچنین در رصدخانه، برگزاری جشنواره‌ها و کمپینگ، برگزاری کارگاه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، دعوت از استادان برجسته ستاره‌شناسی دنیا بوده است، از جمله دکتر رزا ماریا رز، استاد دانشگاه کاتالونیا و رئیس شبکه جهانی آموزش ستاره‌شناسی، دکتر کورینا توما، استاد دانشگاه رومانی و زنده‌یاد پروفسور پائولو سرجیو برتونز از دانشگاه سائوکارلوس برزیل و میزبانی آنان در بوشهر، شیراز، اصفهان و تهران که طی سفر خود جلسات متعددی با دانش‌آموزان، معلمان، شهروندان و همچنین وزارت آموزش و پرورش داشتند.

– طی سالیان فعالیت، استقبال مردم استان و کشور از این رصدخانه به چه صورت بود؟

– همیشه شاهد استقبال بی‌نظیر مردم ایران از برنامه‌های رصدخانه بوده‌ایم. از برنامه‌های رصد آسمان گرفته تا نشست‌ها با مهمانان ایرانی و خارجی. آن چه که طی سالیان اخیر شاهد بوده‌ایم تشویق دانش‌آموزان توسط خانواده‌هایشان جهت حضور فعال در برنامه‌ها بوده است و جالب‌تر آن‌که والدین و خانواده‌ها نیز اشتیاق فراوان به حضور در برنامه‌ها دارند و این نشان‌دهنده پتانسیل بسیار خوب این مرکز برای توسعه علم نجوم و همچنین علوم شهروندی در استان بوشهر است که خود می‌تواند به قطب گردشگری نیز تبدیل شود و سالیانه به‌ویژه در فصل زمستان و بهار میزبان هزاران علاقه‌مند به آسمان باشد. رصدخانه مهر به واسطه گرامیداشت رویدادهای باستانی نجومی ایران چون اعتدالین که شامل جشن‌های نوروز و مهرگان است و همچنین انقلابین که شامل تیرگان و یلدا است، دانش‌آموزان و خانواده‌های بوشهری را به صورت حضوری و سایر علاقه‌مندان را به شکل آنلاین گرد هم می‌آورد تا این رویداد را با دانش‌آموزان و دانشجویان ژاپن، اسپانیا، رومانی، بلغارستان و... جشن بگیرند.

– این رصدخانه از چه امکانات خاص و ویژه‌ای نسبت به دیگر رصدخانه‌های کشور بهره می‌برد؟

–رصدخانه دانش‌آموزی مهر، بزرگ‌ترین رصدخانه دانش‌آموزی کشور است و دارای بزرگ‌ترین تلسکوپ رصدخانه دانشجویی کشور می‌باشد و از امکانات این مرکز می‌توان به این موارد اشاره کرد: یک تلسکوپ اشمیت کاسگرین ۱۶ اینچ به عنوان تلسکوپ اصلی، یک تلسکوپ ۱۲ اینچ به عنوان تلسکوپ کمکی، دو تلسکوپ ۱۰ اینچ، دو تلسکوپ ۸ اینچ، دو تلسکوپ خورشیدی که کارایی مختلفی دارند؛ یکی ویژه آموزش و دیگری ویژه عکاسی و پژوهش است، CCD، دوربین عکاسی که مختص عکاسی نجومی است، تلسکوپ آپوکروماتیک که مخصوص عکاسی است، تلسکوپ ماکستوف نیز برای رصد سیارات مورد استفاده قرار می‌گیرد و همچنین انواع و اقسام دوربین‌های دوچشمی که با قدرت‌های مختلف برای رصدهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند و یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزشی، آسمان‌نما است که هم در رصدخانه و هم به صورت پورتابل در مدارس و دیگر مکان‌ها قابل اجرا است و طی سالیان اخیر افراد بسیاری از طریق آن جذب رصدخانه شده‌اند.



– گویا رصدخانه مهر با مشکلات عدیده‌ای در راستای ارائه خدمات مطلوب دست به گریبان است و از کمبود امکانات مناسب رنج می‌برد. از این کاستی‌ها و مشکلات بگویید؟

– با توجه به گذشت حدود ۲۰ سال از تأسیس رصدخانه، نیاز مبرم به تعمیرات و تجهیزات دارد. حدوداً ۳ سال است که گنبد رصدخانه دچار مشکل شده است و نیاز به تعمیر دارد و استهلاک گنبد موجب بلااستفاده شدن تلسکوپ ۱۶ اینچ شده است و در صورتی که این روند ادامه یابد، به تلسکوپ آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد خواهد شد. از طرفی، رصدخانه دچار مشکلات عدیده‌ای چون قطعی آب و برق به علت بدهی است که طی سالیان سال انباشته شده است. از دیگر مشکلات این مرکز می‌توان به عدم تجهیز به سیستم سرمایشی مناسب، عدم دسترسی به اینترنت، عدم وجود وسیله نقلیه، و همین‌طور کمبود فضای آموزشی علی‌رغم زیربنای وسیع این مرکز اشاره کرد و همه این موارد نیازمند اعتبار است. از دیگر مشکلات رصدخانه می‌توان به افزایش چشمگیر آلودگی نوری اشاره کرد که در اثر ساخت و ساز اطراف رصدخانه به وجود آمده است و در پی این ساخت و سازها، افق دید رصدخانه کاهش می‌یابد و رفته‌رفته رصدخانه کارکرد واقعی خود را از دست خواهد داد؛ لذا می‌بایست این ساخت و سازها به درستی مدیریت شوند تا در روند فعالیت رصدخانه مشکل به وجود نیاید.

– چه انتظاری از مسؤولین و نهادهای ذی‌ربط دارید؟

– با توجه به پتانسیل و نقش محوری رصدخانه مهر، در وهله اول باید رویکرد و نگاه مسؤولان به این رصدخانه، کلان و ملّی باشد. در نگاه کلان، رصدخانه مختص به آموزش و پرورش دیده نمی‌شود و از این‌رو ارگان‌های زیادی خود را متعهد به توجه و تلاش در ارتقاء رصدخانه‌ای می‌بینند که با انواع فعالیت‌های پژوهشی، علمی و آموزشی در سطح بین‌المللی و کشوری، می‌تواند نام استان بوشهر را در کشور، بارها سربلند کند. بزرگ‌ترین انتظار بنده از مسؤولین استانی، درک اهمیت این رصدخانه برای استان است و طبیعتاً این نگاه اگر شکل گیرد، بسیاری از مشکلات رصدخانه به راحتی قابل حل خواهد بود و در غیر این صورت، علی‌رغم ادامه تلاش‌های ما، فرصت بزرگی از استان گرفته می‌شود. امیدوارم همه دست به دست هم دهیم و از افول ستاره رصدخانه مهر به عنوان یک سرمایه ارزشمند علمی جلوگیری کنیم.

تاثیر خبرهای کذب بر خبرهای واقعی در رسانه‌ها و راهکارهایی برای آن؛

عبدالحمید بنچاری



مسئله پرحاشیه اخبار جعلی و اخبار نادرست به یکی از چالش‌های اساسی جوامع تبدیل شده است. افزایش سریع انتشار اطلاعات نادرست، مخصوصاً از طریق شبکه‌های اجتماعی، نه تنها اعتماد عمومی به رسانه‌های خبری را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بلکه باعث افزایش تردید نسبت به درستی هرگونه خبری می‌شود. این نوشتار به بررسی این مسئله می‌پردازد و پیامدهای گوناگونی را برای مبارزه با اخبار جعلی و میزان تاثیر آن بر اعتماد به رسانه‌ها بررسی می کند.

پیامدهای منفی مقابله با اخبار کذب، تقویت پدیده «افراط در بی‌اعتمادی»؛

تلاش‌ها برای مقابله با اخبار کذب، اگرچه ضروری‌اند؛ اما گاهی به تقویت پدیده‌ای به نام «افراط در بی‌اعتمادی» منجر می‌شوند. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که افراد به دلیل هشدارهای مکرر درباره اخبار جعلی، به طور کلی نسبت به تمامی منابع خبری، حتی منابع معتبر، بی‌اعتماد می‌شوند. به عنوان مثال، اگر افراد بارها در معرض هشدار از طریق رسانه‌ها در رابطه با خطرات اخبار جعلی قرار بگیرند، ممکن است شروع به شَک و شُبهه درباره صحت تمامی اخبار دریافتی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی کنند.

تضعیف رسانه‌های سنتی؛

رسانه‌های سنتی از جمله روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری تلویزیونی، به‌عنوان منابع اصلی و معتبر اطلاعات و اطلاع‌رسانی عمومی شناخته می‌شوند؛ اما با گسترش تلاش‌ها برای مقابله با اخبار جعلی، این احتمال وجود دارد که رسانه‌های یادشده نیز تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرند. این عوامل که هدفشان جلوگیری از انتشار اطلاعات نادرست بر رسانه‌هاست، محدودیت‌هایی را بر رسانه‌ها تحمیل می‌کنند که اگرچه به‌ظاهر برای جلوگیری از انتشار اخبار جعلی، مفید به نظر می‌رسند، اما در عمل به کاهش استقلال و آزادی رسانه‌ها منجر می‌شوند.

کاهش اعتماد به رسانه‌ها و نفوذ شبکه‌های اجتماعی؛

شبکه‌های اجتماعی به دلیل ساختار غیرمتمرکز و سرعت بالای انتشار اطلاعات، به بستری برای انتشار اخبار جعلی تبدیل شده‌اند. برخلاف رسانه‌های سنتی که معمولاً از فرایندهای دقیقی برای بررسی صحت اخبار استفاده می‌کنند، شبکه‌های اجتماعی این فرایندها را ندارند و همین موضوع باعث گسترش و انتقال سریع اطلاعات نادرست می‌شود. این شبکه‌ها نه تنها به انتشار اخبار جعلی دامن می‌زنند، بلکه همین موضوع کاربران این شبکه‌ها را نسبت به تمامی اخباری که از این طریق دریافت می‌کنند؛ حتی اخبار صحیح، دچار تردید می‌کند.

اثرگذاری رسانه‌ها بر جامعه؛ کاهش مشارکت عمومی؛

با کاهش تدریجی اعتماد عمومی به رسانه‌ها، شهروندان بسیار کمتر از گذشته به اطلاعاتی که دریافت می‌کنند اعتماد می‌کنند و این موضوع کاهش مشارکت آن‌ها در امور اجتماعی و نظایر آن را در پی خواهد داشت. از این رو بدون دسترسی به اطلاعات صحیح و معتبر، افراد جامعه قادر به اتخاذ تصمیمات آگاهانه نخواهند بود.

افزایش مخاطرات اجتماعی؛

انتشار گسترده اخبار جعلی و کاهش اعتماد عمومی به رسانه‌ها از دلایل ایجاد مخاطرات اجتماعی است. در غیاب منابع خبری معتبر، مخاطبان و افراد جامعه ممکن است به اطلاعات نادرست و غیرموثق تکیه کنند و به افزایش تنش‌ها و مناقشات اجتماعی و بحران‌های اقتصادی دامن زنند.

راهکارهای پیشنهادی و افزایش شفافیت در رسانه‌ها؛



یکی از راهکارهای مهم برای بازسازی اعتماد عمومی به رسانه‌ها، افزایش شفافیت در فرایندهای خبری است. رسانه‌ها می‌بایست با ارائه اطلاعات دقیق درباره منابع خبری، نحوه جمع‌آوری اخبار و فرایندهای بررسی صحت مطالب، به مخاطبان اطمینان دهند که اطلاعات ارائه شده معتبر و بی‌طرفانه است. همچنین افزایش سواد رسانه‌ای در جامعه دلیلی بر این است تا افراد اخبار و اطلاعات صحیح را از اخبار جعلی تمیز دهند. آموزش‌های گسترده در زمینه سواد رسانه‌ای نیز از دلایل کاهش پذیرش اخبار جعلی و افزایش اعتماد عمومی به رسانه‌های معتبر است. شایسته است تا نهادهای آموزشی و رسانه‌ها با همکاری یکدیگر برنامه‌های آموزشی مناسب و درخوری را در این زمینه مهیا و اجرا کنند.

ترویج روزنامه‌نگاری تحقیقی؛

روزنامه‌نگاری تحقیقی که اساس آن بر پایه تحقیقات دقیق و مستند است، باعث تقویت اعتماد عمومی به رسانه‌ها می‌شود. این نوع روزنامه‌نگاری با افشای حقایق و مقابله با فساد و اطلاعات نادرست، مسیری روشن را برای مخاطبان فراهم می‌سازد و این نکته را یادآور می‌شود که رسانه‌ها هنوز هم قادرند نقش موثری در اطلاع‌رسانی صحیح داشته باشند.

نتیجه‌گیری؛ مبارزه با اخبار جعلی یک ضرورت انکارناپذیر است؛ اما باید دقت و برنامه‌ریزی دقیق را سرلوحه قرار داد تا اعتماد عمومی به رسانه‌ها را خدشه‌دار نکند. افزایش شفافیت، تقویت سواد رسانه‌ای و ترویج روزنامه‌نگاری تحقیقی به عنوان راهکارهایی موثر و هدفمند برای مقابله با این معضل شناخته می‌شوند. در نهایت، تنها با بازسازی اعتماد عمومی به رسانه‌هاست که سلامت و پویایی رسانه‌ای و کاهش مخاطرات اجتماعی تضمین می‌شود و می‌توان با امیدواری به آینده‌ای روشن برای رسانه‌ها چشم دوخت.

ذات گرایی و خطای شناختی

عبدالخالق ماجدی



چندماه است که با دوستم درباره موضوع بدذاتی و بدسرشتی و بداصلی گفتگو و مجادله می‌کنم. دوستم به ضرب‌المثل معروفی استناد می‌کند: ذات بد نیکو نگردد چون‌که بنیادش بد است. این ضرب‌المثل در اصل شعری از گلستان سعدی و درباره "سیرت پادشاهان" است:

پرتوِ نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است
تربیت نااهل را چون گِردکان بر گنبد است

یعنی همان‌طور که گِردو روی گنبد نمی‌ایستد و نگه داشتن آن فایده‌ای ندارد تربیت انسان نااهل و بدذات هم بی‌اثر است.

ذات‌گرایی" یکی از موضوعاتی بود که از جهان سنت به جهان مدرن به ارث رسید ولی در دوران پسامدرنیته با رشد علوم انسانی و اجتماعی با محوری شدن "انسان" و بازفهمی تاثیر شگرف "محیط" و نقش "آموزش" در تصحیح کژروی‌ها، مورد تهاجم شدید واقع شد. در این‌جا ما با یک خطای شناختی تاریخی فراگیر مواجهایم و تصحیح آن خیلی "زحمت" دارد. ذات‌گرایی و تقسیم انسان‌ها به بدذات و نیک‌ذات زحمتی ندارد و به سادگی موضوع را "تقلیل" می‌دهد و بر پیشانی فرد یک برچسب تاریخی می‌زند.

نخست این‌که ذات‌گرایی انسان را به "فرد" تقلیل می‌دهد و به عوامل اجتماعی و زیست اجتماعی او کم توجه‌ای می‌کند و ناخواسته دچار یک "اراده گرایی" توهم گونه هم می‌شود که "فرد" به تنهایی می‌تواند گلیم خودش را از آب بکشد و مقصر اصلی تمام ناکامی‌های او خود فرد است و محیط اجتماعی پیرامون او در موفقیت یا عدم موفقیتش نقش عمده‌ای ندارد.

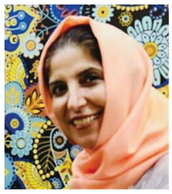
ذات‌گرایی خواسته یا ناخواسته از ظرفیت و امکان و قابلیت "تغییر انسان" صرفنظر می‌کند و تبعا در این شرایط ما با یک "شیء" سروکار داریم که شکل گرفته است و قابلیت هیچ‌گونه تغییر رفتار ندارد. ذات‌گرایی درک مناسبی از قدرت "آغازگری" انسان ندارد. ذات‌گرایی شدیدا تحت تاثیر "اثر هاله ای"است چون‌که به سادگی با زدن یک برچسب، از انسان فرشته یا دیو می‌سازد. یکی از مشکلات بنیادین و ضدتوسعه‌ای ذات گرایی اینست که به زندگی نگاه " تقدیر گرایانه" دارد و تبعا در این جوامع با تقسیم بندی و جداسازی انسان‌ها به گروه‌ها و دسته‌های خوب/بد و دوست/دشمن، همگرایی و انسجام شکل نمی‌گیرد و انتظار توافق و تفاهم و انعقاد قرارداد اجتماعی از این جامعه، سرابی بیش نیست.

جهان‌بینی ذات‌گرایی همان منطق نانوشته جهان جنگلی و طبیعی است که گرگ بدسرشت است و اسب نجیب در جهان طبیعی می‌گویند فقط به گل‌ها آب دهید نه علف‌های هرز ولی متوجه نیستیم که جهان انسانی و جهان طبیعی از منطق یکسانی تبعیت نمی‌کنند. ذات‌گرایی با تمرکز افراطی به روی وراثت و ژنتیک فراموش می‌کند که صفات ژنتیکی هم محصول تعاملات پیشینیان ما با دیگران در محیط‌های اجتماعی بوده است. با این برچسب زنی‌ها، با نادیده‌گیری بخش زیادی از ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی سرزمینی، متاسفانه باعث حذف و مهاجرت آن‌ها می‌شویم.

متاسفانه متون ادبی و فرهنگی و همچنین حافظه جمعی ما پر از این داستان‌هاست؛ داستان‌هایی که پر از خطاهای شناختی هستند. توسعه بیش از آن‌چه که ما فکر می‌کنیم سخت نیازمند "اندیشه‌ورزی" و تدبیر است ولی باید اعتراف کنیم که افسون و قدرت "داستان‌ها" بسی نیرومندتر از "اندیشه‌ها"ست. نسیم نیکولاس طالب می‌گوید: اندیشه‌ها می‌آیند و می‌روند ولی داستان‌ها می‌مانند!

فقط مجانی باشد

مژده مواجی – آلمان



خانم اشتاین از هر چه که مجانی باشد لذت می‌برد. در واقع چیزهای مجانی را در هوا می‌قاپد. در جشن‌های خیابانی، نمایشگاه‌ها یا افتتاحیهٔ فروشگاه‌ها تمام هوش و حواسش به اقلام رایگان تبلیغاتی یا نوشیدنی‌هایی است که پخش می‌کنند یا برای امتحان‌کردن گذاشته‌اند. به آرایشگاه که می‌رود، شوق نوشیدن قهوه‌ای را دارد که در حین رنگ‌کردن موهایش از او پذیرایی می‌کنند و او با علاقه آن را می‌نوشد. بی‌صبرانه منتظر حراج‌های تابستانی و زمستانی پوشاک می‌ماند، خریدش را می‌کند و بعد حساب‌وکتاب می‌کند که در مجموع چه قدر کمتر پرداخت کرده، سرش را بالا می‌گیرد و لبخند روی لبش می‌نشیند.

وقتی که دستگاه قهوه‌جوش‌شان خراب شد، همسرش می‌خواست یک دستگاه جدید بخرد. خانم اشتاین با چشم‌های ازحدقه‌درآمده گفت: «چرا این‌همه ولخرجی؟ به تعمیرگاه سیار محله می‌برم. کارهای تعمیراتی را فقط به‌ازای یک انعام راه می‌اندازند. هدف‌شان این است که حتی‌الامکان چیزی دور انداخته نشود.»

خانم اشتاین در مسافرت‌هایی که می‌رود، همیشه سفرهایی که هزینهٔ تمام اقامت و خوردوخوراک را یک‌جا می‌شود پرداخت، انتخاب می‌کند. دیگر نگران مخارج اضافی نیست و هرچه دلش می‌خواهد غذا می‌خورد. آن‌قدر در خوردن زیاده‌روی می‌کند که همسرش سری تکان می‌دهد و می‌گوید: «این‌ها تأثیرات قحطی‌های جنگ دوم جهانی است که ژن آن به ما انتقال پیدا کرده است. البته این ژن در تو قوی‌تر است.» خانم اشتاین اخم می‌کند: «ما پول این غذاها را از قبل داده‌ایم و اگر نخوریم، ضرر کرده‌ایم.»

چندی پیش خانم اشتاین با شنیدن زنگ در خانه‌اش لحظه‌ای مکث کرد و با خودش گفت: «چه کسی می‌تواند باشد؟ امروز قرار نیست کسی به خانهٔ ما بیاید.»

گوشی آیفون را برداشت و پرسید: «شما؟»

– سلام. روز شما به‌خیر. من برای تبلیغ نوشیدنی‌های شرکت‌مان آمده‌ام. شما خودتان چندی پیش در همه‌پرسی ما شرکت کردید و گفتید که تمایل دارید نوشیدنی‌های ما را امتحان کنید.»

خانم اشتاین ناگهان جریان همه‌پرسی را به یاد آورد و این که اگر قرعه به نامش بیفتد، یک سفر مجانی به جزیرهٔ قناری برنده می‌شود.

– بله، بله. بفرمایید داخل.

او همیشه در این مسابقه‌ها یا همه‌پرسی‌ها شرکت می‌کرد تا شاید برنده شود و چیزی مجانی شامل حال او بشود.

خانم اشتاین در را باز کرد و بعد از چند لحظه مردی قدبلند با کت‌وشلوار سُرمه‌ای و پیراهن سفید ظاهر شد. او یک چمدان کوچک چرمی سیاه در دست داشت.

خانم اشتاین او را به‌طرف اتاق پذیرایی راهنمایی کرد. مرد از چمدان تعدادی کاغذ روی میز گذاشت. بعد از آن جام‌های کوچکی روی میز چید و گفت: «در چمدانم نوشیدنی‌های متنوعی دارم. برای شما در جام می‌ریزم، شما امتحان کنید و ببینید کدام را برای انبار نوشیدنی‌تان سفارش خواهید داد.»

خانم اشتاین چشم‌هایش را کوچک کرد و به مرد خیره شد: «باید سفارش بدهم؟»

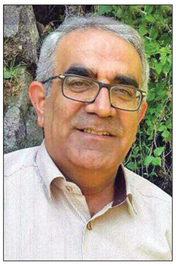
– اگر سفارش ندهید، در قرعه‌کشی نمی‌توانید شرکت کنید و خبری از سفر به جزیرهٔ قناری نخواهد بود.

خانم اشتاین با خودش فکر کرد: «مگر عقلم کم شده که از این نوشیدنی‌های گران را سفارش بدهم. حالا لااقل از هرکدام کمی امتحان می‌کنم.»

مرد مُبلغ، جام‌ها را پر می‌کرد و خانم اشتاین آهسته می‌نوشید، در دهانش مزه‌مزه می‌کرد و به آن‌ها امتیاز می‌داد. مرد مُبلّغ منتظر تصمیم خانم اشتاین برای سفارش بود و خانم اشتاین داشت تا خرخره نوشیدنی‌های گران را می‌نوشید چرا که ممکن بود دیگر چنین فرصتی برای نوشیدن نصیبش نشود.

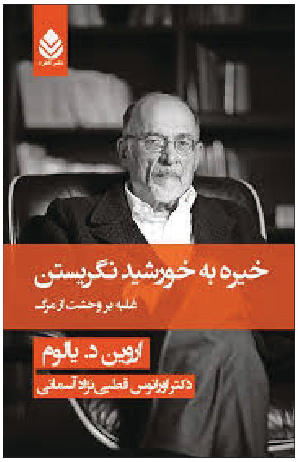
پیری، مرگ و خیره به خورشید نگریستن

دکتر سعید معدنی



مرداد ماه امسال فرصتی شد تا چهار کتاب "مسئله‌ی اسپینوزا"، "درمان شوپنهاور"، "مامان و معنای زندگی" و "خیره به خورشید نگریستن" را از اروین یالوم بخوانم. البته درباره‌ی کتاب آخر یعنی "خیره به خورشید نگریستن" قبلاً تحلیل‌هایی خوانده و پادکست‌هایی شنیده بودم و تا حدودی با موضوع کتاب آشنایی داشتم. اما لازم دیدم که متن اصلی را کامل بخوانم. قبلاً هم آثاری از یالوم خوانده بودم که مهم‌ترین آن "وقتی نیچه گریست" بود که یک فیلم سینمایی هم از روی آن ساخته شده است.

اروین دیوید یالوم (Irvin David Yalom) متولد ۱۹۳۱ میلادی می‌باشد. اهل آمریکا، روان‌پزشک و استاد بازنشسته‌ی دانشگاه استنفورد است. وی کمک زیادی به گسترش روان‌درمانی در جهان معاصر کرده است. او با توجه به مطالعات وسیع‌اش در حوزه‌های پزشکی و فلسفه و تاریخ، و آگاهی عمیق و چندجانبه به خصوصیات انسان معاصر و مدرن، به روان‌پزشکی عمق بخشیده و ابعاد دیگری از جهان روان انسان را به ما معرفی می‌کند. او به دانش بشری "الگوی تحلیلی روان‌شناسی هستی‌گرا (اگزیستانسیال)" را ارائه داده است.



این روان‌پزشک و روان‌درمانگر در این باره می‌نویسد: "چارچوب داوری اگزیستانسیال... می‌گوید علت گرفتاری بسیاری از بیماران به یاس و نومیدی رودررو شدن با بعضی دلواپسی‌های غایی وجودی است. شاخص‌ترین این دلواپسی‌ها، که در کار بالینی از بقیه چشم‌گیرترند عبارتند از: مرگ، تنهایی، آزادی و پوچی؛ مضامینی که ستون فقرات درسنامه‌ی روان‌درمانی اگزیستانسیال [هستی‌گرایی – وجودی] مرا می‌سازند..."

طبعاً در این‌جا قصدم آن نیست که این آثار عمیق و مهم را در این یادداشت کوتاه معرفی کنم. زیرا معرفی هر کدام متن مفصل و جداگانه‌ای می‌طلبد. اما حتی اگر پزشکی و روان‌پزشکی ندانید و روان‌درمانگر هم نباشید از خواندن آثار داستانی یالوم بهره‌ی فراوان برده و لذت می‌برید. زیرا ایشان نظرات و اندیشه‌های خود را در اکثر آثار مذکور در قالب رمان و روایت‌های جذاب ارائه می‌دهد. حتی کتاب "خیره به خورشید نگریستن" که رمان نیست، باز هم خاطرات و روایت‌های جذابی از درمان بیماران را در لابه‌لای متن ارائه می‌دهد. البته باید به مترجمان زبردست ایرانی که این آثار سخت، تخصصی و دشوار را همه‌فهم و روان ترجمه کرده و در اختیار ما گذاشته‌اند تشکر کرد. جالب این‌که همه‌ی مترجمان این چند اثری که من خوانده‌ام زنان بوده‌اند که به همه‌ی ایشان دستمریزاد می‌گویم. این بانوان علاوه بر چیرگی به دانش و محتوای متن، تسلّط خوبی به زبان مبداء و مقصد دارند.

در کتاب "خیره به خورشید نگریستن" یالوم به ما می‌گوید ما همان‌طور که نمی‌توانیم مستقیم به خورشید نگاه کنیم، به چشمان مرگ هم می‌ترسیم مستقیم نگاه کنیم؛ لذا سعی می‌کنیم به آن فکر نکنیم. اما تمام بیماران صعب‌العلاج و پیران ناگزیر به مرگ فکر می‌کنند. بنابراین روان‌درمانگران وظیفه دارند تا آن‌جا که امکان دارد این ترس را در مراجعان کاهش دهند. اروین یالوم به دنیای پس از مرگ اعتقاد ندارد و معتقد است که با مرگ همه چیز تمام می‌شود. در این صورت انسان‌هایی با مرگ بهتر کنار می‌آیند که خوب و مفید زندگی کرده باشند.

در حین نوشتن این یادداشت نکته‌ای و خاطره‌ای یادم آمد و این‌که سی و اندی سال پیش که دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه شیراز بودم به واسطه دوستی و هم‌خوابگاهی با دوستان دانشجوی روان‌شناس با برخی آثار کارل گوستاو یونگ (شاگرد فروید) آشنا شدم. او نیز مفاهیم مهمی مثل ناخودآگاه جمعی، کهن الگوها، انسان و سمبل‌هایش و مفاهیمی از این دست را وارد ادبیات روان‌درمانی کرده است. بر اثر این مطالعات حدود دو سال خواب‌هایم را یادداشت می‌کردم و به شیوه‌ی یونگ برای خودم تحلیل و تفسیر می‌کردم! کم‌کم خواب‌های دوستان هم‌اتاقی را هم تحلیل می‌کردم! و حتی برایشان فال یی‌چینگ هم می‌گرفتم (کتاب رازگونه‌ی چین باستان که یونگ به آن خیلی اعتقاد داشت). کم‌کم مشتریانم در خوابگاه زیاد شده بود که فارغ‌التّحصیل شدم و به تهران برگشتم.

اکنون پس از چند دهه در ۶۰ سالگی که سن ورود به دوره پیری است، دوباره با آثار روان‌درمانگر دیگری که از مرگ و هراس‌های انسان مدرن می‌گوید آشنا شدم. اگر یونگی به موضوع نگاه کنیم، شاید تقدیر ما این‌گونه رقم خورده است! جوانی را با یونگ و پیری را با یالوم سر کنیم.

در آخر این‌که یالوم در یک خانواده‌ی یهودی به دنیا آمده و لاجرم این خاستگاه خانوادگی و فرهنگ آن در آثارش نماد و نمود دارد. یکی از ویژگی‌های آثار یالوم این است که شما با خواندن این متون جذاب داستانی با هر اتفاق و رویدادی، مباحث آن در ذهن شما تداعی می‌شود.

به قلم قاسم یاحسینی مورخ جنوبی منتشر شد؛

«سرآغاز آموزش نوین دختران در بوشهر»

تازه‌ترین اثر سیدقاسم یاحسینی، نویسنده، مورخ و پژوهشگر حوزه مطالعات تاریخی زنان با عنوان «سرآغاز آموزش نوین دختران در بوشهر» از سوی انتشارات «هامون نو» راهی بازار کتاب شد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر، این کتاب که در ۱۰۱ صفحه منتشر شده، به «همه دختران بوشهری که هرگز به مدرسه نرفتند» تقدیم شده است.

سیدقاسم یاحسینی، مؤلف کتاب «سرآغاز آموزش نوین دختران در بوشهر» در بخشی از مقدمه آن آورده است: «از دهه هفتاد قرن شمسی گذشته تا امروز، چندین عنوان کتا «تاریخ آموزش و پرورش» در باب تک‌تک شهرستان‌های استان بوشهر و کل استان، در قالب تک‌نگاری یا کاری تحلیلی نوشته و منتشر شده است. همچنین چند عنوان کتاب مستقل درباب مدرسهٔ سعادت و تاریخ پُرفراز و نشیب آن به رشتهٔ تحریر درآمده است. حتی تک‌نگاری درباب برخی از مدارس نیز شروع شده است، برای مثال عبدالرسول دانش‌پژوه، دوست محقق من کتابی جالب و مستندی درباره تاریخچه «دبستان فرخی»، نخستین دبستان نوین پسرانه در برازجان، به نگارش درآورده و منتشر کرده است.

با وجود این، اما حتی یک کار ابتدایی و اولیه نیز درباره تاریخچه آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت زنان و دختران در استان بوشهر و شهرهای آن انجام نشد، این در حالی است که زمینه‌های تحقیق چنین پژوهشی تا اندازه زیادی فراهم است، اما دید مردسالارانه و مُذکرانه در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری آموزش و پرورش بوشهر، مانع اصلی تحقق چنین تحقیق ارزشمندی بوده و هست...

تاریخ جنبش آموزشی فرهنگی زنان در بندر بوشهر از عصر قاجار تا امروز، تاریخی تاریک و پُرفراز و نشیبی است که باید طی زمانی طولانی و با کار مدام و خلاقانه در حوزه‌های مختلف آرشیوی، کتابخانه‌ای، تاریخ شفاهی و تحلیل تاریخی، کم‌کم زوایای گوناگون و گاه روایت ناشده آن را کاوش و روایت کرد.

در این روند، باید به‌طور گشاده‌دستانه‌ای از نظریه‌های اجتماعی، مطالعات زنان و عرصه‌های مختلف علوم انسانی/ اجتماعی سود برد و در فرایند تحقیق از آن‌ها به‌صورت موردی، میان‌رشته‌ای و بین رشته‌ای استفاده کرد.

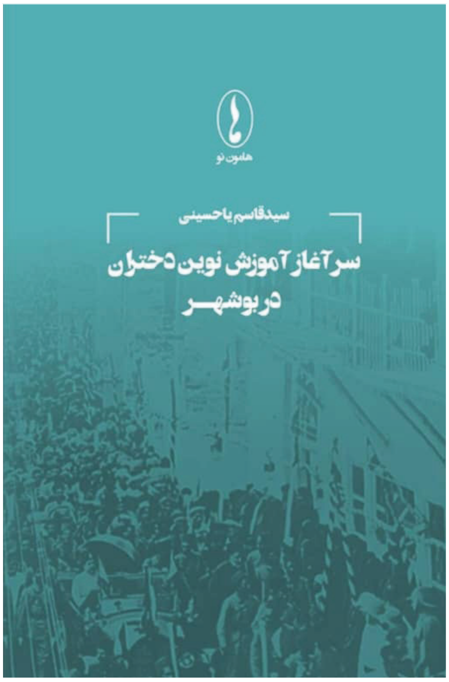


یکی از موضوعاتی که از دیرباز ذهن مرا مشغول کرده و می‌کند، تکاپوهای آموزشی زنان و دختران در بندر بوشهر است. چنان‌که گذشت، واقعیت این است که تا امروز تاریخ آموزش و پرورش دختران و بانوان در بوشهر از آغاز تا امروز همچنان ناکاویده مانده و مورد پژوهش موردی و مستقل و برپایه اسناد رسمی و متقن و نه شنیده‌ها



و اخبار شفاهی، قرار نگرفته است یا دست‌کم منتشر نشده است.

از جمله موضوعات کاویده نشده، تاریخ شکل‌گیری نخستین مدرسه دخترانه نوین در بوشهر و موانع و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و حتی گفتمانی مقابل آن و همچنین تلاش و مساعی جمعی از فرهیختگان و روشنفکران طالب



آموزش و ترقی نسوان در بوشهر است. تا امروز، به طور دقیق و توأم با جزئیات نمی‌دانیم چطور اولین مدرسه دخترانه در بوشهر شکل گرفت، چه کسانی پیشگام این راه بودند، سهم خود زنان بوشهری در این راستا چه اندازه بود، اولین معلم زن در بوشهر چه کسی بود و تاریخ دقیق افتتاح و راه‌اندازی این مدرسه چه زمانی بوده است.

پیشینه نخستین آموزش نوین دختران و تکاپوهای اقلیت‌های مذهبی چون ارامنه و یهود در بوشهر نیز جای کاری جدی و همه جانبه دارد و حرف‌ها برای گفتن و روایت کردن!

در ایامی که سرگرم تألیف کتابی درباب تاریخ زندگی و احوالات و کارنامه آموزشی و ژورنالیستی شوکت سلامی بودم، حس کردم به عنوان مقدمه هم شده، باید چنین تاریخی را تدوین و تحلیل کنم. از این روی با قلت منابع و کثرت طرح‌های نیمه تمام تحقیقاتی خودم، دل به دریا زده و شروع به تحقیق و تفحص و پُرس و جو از دوستان محقق شدم. خداوند را شاکرم که مطالب بسیار خوب و نوی نصیبم کرد و موفق شدم به بسیاری از پرسش‌هایی

که پاسخ آن‌ها تا امروز مجهول مانده بود، پاسخ مستند بدهم. هرچند هنوز نیز نقاط ابهام و روایت ناشده در این زمینه، وجود دارد که امیدوارم محققان و مورخان دیگر هم استانی یا ملی، روزی و روزگاری به با دسترسی بیشتر و بهتر به منابع و اسناد احتمالی، به آن‌ها پاسخ خردپسندانه‌ای بدهند.

در آغاز قصد داشتم این رسالهٔ مختصر را به عنوان بخش اول کتاب زندگینامه شوکت سلامی قرار دهم، اما پس از مشورت با برخی از دوستان، بالاخره ترجیه دادم به صورت رسالهٔ مستقلی به حلهٔ طبع آراسته و در اختیار اهل تحقیق و علاقه‌مندان به تاریخ جنبش آموزشی زنان در بوشهر و ایران قرار گیرد. رسالهٔ مختصر حاضر شامل دو بخش به‌ظاهر مجزا، اما در واقع به‌هم پیوسته است: بخش اول شامل دو مطلب است؛ اول مقاله‌ای است که به سفارش و همفکری من با دخترم سیدفاطمه یاحسینی ترجمه و به نگارش درآمده است. هسته سخت این مقاله، ترجمه دو صفحه متن انگلیسی یک کتاب است که به فعالیت میسیون‌های مذهبی در ایران پرداخته است. از جمله مطالب بسیار جالب و خواندنی این کتاب انگلیسی، بخشی است که به تأسیس نخستین مدرسهٔ خارجی ایران در بندر بوشهر اختصاص دارد، موضوعی که تا امروز کاملاً مورد غفلت تمام مورخانی قرار گرفته که درباره تاریخ آموزش و پرورش ایران و بوشهر مقاله، مطلب، کتاب و رساله منتشر کرده‌اند.

مطلب دوم، نگاهی فشرده و خلاصه‌شده به مدرسه دخترانهٔ ارامنه و مسلمانان در بوشهر عصر مشروطه است. من پیش از این، مقاله مستقلی در این باره نوشته و در کتاب «زن بوشهری در جنگ و فرهنگ» منتشر کرده بودم، اما چون این وجیزه درباره نخستین تکاپوهای آموزشی ویژه دختران در بوشهر است، دریغم آمد فشرده‌ای از آن مقاله را در اینجا نیاورم.

بخش دوم ماجرای جالب و در عین حال عجیب مدرسه تأسیس نشده دخترانه در بوشهر (۱۳۰۲ ش.) است که متنی کوتاه درباب تلاش ناکام برخی از چهره‌های فرهنگی و نظامی در اوایل دهه ۱۳۰۰ شمسی برای تأسیس یک مدرسهٔ دخترانه در بوشهر و مخالفت برخی از چهره‌های مشهور و معروف روحانی و مذهبی با تأسیس و راه‌اندازی این مدرسه است.



مطلب دوم در بخش دوم، قضیه تأسیس نخستین مدرسه دخترانه در بوشهر به روایت روزنامه حبل‌المتین چاپ هندوستان و مسائل حاشیه‌ای حول و حوش آن است.»

فرهنگ پویا و داد و ستد فرهنگی

حسن عبداللهی – کنگان



با اطمینان کامل می توان گفت که فرهنگ‌های زنده و پویای جهان، همواره در داد و ستد و تعامل مثبت با دیگر فرهنگ‌ها و زبان‌ها و تمدن‌های بشری هستند و هیچ ملت صاحب فرهنگی با ایزوله شدن و اکتفا به عناصر درون فرهنگی نمی‌تواند به یک فرهنگ جهانی و تاثیرگذار بدل شود.

جای خوش‌وقتی است که، در فرهنگ ایران زمین، تبادل فعال و داد و ستد عناصر فرهنگی، از دیرباز جایگاه خاص خود را داشته است.

نقش نگاره‌های تخت جمشید و دیگر عناصر فرهنگی بازمانده از نیاکان، نشانه‌هایی کافی را در خود دارند مبنی بر این که مردم متمدن ایران زمین با همه تمدن‌های پیرامون از جمله عیلامیان، عرب‌ها، فنیقی‌ها، مصری‌ها و حتی آفریقایی‌ها نیز در ارتباط تمدنی و فرهنگی بوده‌اند.

اقتباس یک فرهنگ از فرهنگ همسایه و نیز از فرهنگ جهانی، نه تنها عیب و نقصی به شمار نمی‌رود بلکه دقیقاً نقطه ی قوت آن فرهنگ به شمار می آید. کما این‌که زبان و فرهنگ انگلیسی با این‌که امروز به عنوان جهان‌شمول‌ترین و پر تکلم‌ترین زبان جهان به شمار می رود، اما بیشترین تاثیرات را نیز از زبان‌ها و فرهنگ‌های جهان پذیرفته است.

در این راستا در فرهنگ ایران قبل از اسلام، ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان پارسی، به عنوان یک عامل فعال تبادل فرهنگی و علمی به شمار می‌رفت و در زمان ساسانیان کتاب‌های متعددی از جمله کلیله و دمنه به پارسی برگردانده شد.

در دوران بعد از اسلام نیز نهضتی به نام نهضت ترجمه در دوران عباسیان شکل گرفت و بسیاری از کتاب‌های معتبر ایرانی، هندی و به ویژه یونانی به زبان عربی ترجمه شد، به طوری که تاثیری شگرف در فلسفه و حکمت و دیگر علوم اسلامی گذاشت.

در دوران مشروطیت نیز تحصیل کردگان و قشر مترقی آن زمان، به ترجمه کتاب‌های اروپایی پرداختند و با این کار در پویایی و به روز شدن فرهنگ ایران زمین نقش عمده‌ای ایفا کردند.

دریانوردان هموطن ما، فرهنگ و زبان اصیل این دیار را از سیراف و خارک و بوشهر و دیگر نقاط ساحلی ایران تا حدود آفریقا و ملیبار و هند و آسیای شرقی منتقل کرده و عناصری از فرهنگ و هنر



و موسیقی آن سرزمین ها را نیز اقتباس کرده اند.

اخیرا متاسفانه علیرغم این سابقه دیرینه‌ای که ما ایرانیان بویژه بوشهری ها در زمینه تبادل فرهنگی داریم، اخیراً تعدادی از رسانه‌ها، سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی استان بوشهر و سراسری، به نکوهش بعضی فعالیت‌های پژوهشی و ترجمه پرداخته‌اند.

آنها توجه انتشاراتی‌های کشورهای عربی به تاریخ و فرهنگ جنوب ایران و ترجمه از فارسی به عربی و نشر تعدادی از کتاب‌هایی که در جمهوری اسلامی ایران تالیف شده و از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجازه چاپ و نشر یافته‌اند را به عنوان توطئه کشورهای عربی برای هویت‌زدایی از خلیج فارس قلمداد کرده‌اند!

استدلال آن‌ها نیز تغییر نام خلیج فارس در متن ترجمه شده عربی و تغییر طرح روی جلد کتاب است!

این در حالی است که استفاده از نام اصلی خلیج‌فارس در کلیه کشورهای عربی همسایه ممنوع می‌باشد و مترجم و ناشر یا باید نام اماکن از جمله نام خلیج فارس را به نام رسمی متداول در آن کشورها برگردانند یا از خیر اخذ مجوز و انتشار کتاب بگذرند!

در مورد طرح روی جلد کتاب هم، بدیهی است که ناشر، پسند جامعه هدف را در نظر می‌گیرد و به منظور فروش بیشتر، طرح روی جلد را بر اساس سلیقه مشتری طراحی می کند.

در اینجا بنده قصد تبرئه نویسندگان ایرانی این کتاب‌ها یا مترجمان و ناشران کشورهای عربی را ندارم و نمی‌خواهم بگویم که هیچ اشکالی در کار آن‌ها نیست اما عرضم این است که ترجمه فی نفسه نه تنها کار بدی نیست بلکه بسیار پسندیده و ضروری می باشد و ما باید خوشحال باشیم که پژوهشگران کشورهای عربی به جای این‌که خود به پژوهش بپردازند و ماجرا و وقایع را به سلیقه خود از منابع تاریخی اقتباس و منتشر کنند، به کتاب‌های منتشر شده در ایران روی آورده‌اند و آن‌چه را که ما می‌پسندیم به جامعه فرهنگی خود ارائه می‌دهند.

به نظر بنده به جای تخطئه و ملامت مترجمان و نویسندگان، بهتر است جوانان پژوهشگر استان را تشویق کنیم که در تاریخ سرزمین و سرگذشت اجداد و نیاکان خود پژوهش کنند و با امکاناتی که اینترنت و تکنولوژی‌های جدید در اختیار آن‌ها قرار داده، حقیقت تاریخ منطقه را بیش از گذشته به علاقمندان و نسل جوان جویای علم ارائه نمایند.

استان بوشهر از دیر باز به عنوان یکی از نقاط التقای اقوام، فرهنگ‌ها، نژادها و ملیت‌های متعدد و متفاوت مطرح بوده است. در این استان ساحلی از قدیمی‌ترین ادوار تاریخ تاکنون اقوام زیادی اعم از فارس و عرب و لر و ترک و کرد و اروپایی و آفریقایی و قومیت‌های دیگر سکونت کرده و هر کدام آثاری را از خود به جا گذاشته‌اند. ساکنان فعلی استان بوشهر نیز از نوادگان و بازماندگان همین اقوام متعدد و متفاوت می‌باشند.

بنابراین اگر کسی به انجام پژوهش‌های تاریخی مبتنی بر فاکت‌های صریح علمی مبادرت کند، نباید به قومگرایی یا انگ‌های دیگر متهم شود.

در این رابطه قابل ذکر است که در سال‌های اخیر گروهی از نویسندگان و پژوهشگران جوان هم استانی پا به عرصه فرهنگی بوشهر گذاشته و با دیدگاه‌های نوآورانه و ارائه مدارک و مستندات علمی به بررسی تاریخ و انسان شناسی این منطقه پرداخته‌اند.

این پژوهشگران با استفاده از منابع مستند و تحقیقات دقیق، در حال تبیین و تحلیل نقش اقوام و تاریخ بوشهر هستند، اما متاسفانه به جای استقبال و تشویق احیانا با موجی از تهمت‌ها و انتقادهای بی‌اساس روبرو شده‌اند!

بوشهر دیرین سال ما که تابلوی رنگارنگی از امتزاج قومیت‌های مختلف است به نویسندگانی که با صداقت و با بهره گرفتن از شیوه‌ها و مستندات علمی به تحلیل و تفسیر تاریخ و فرهنگ آن بپردازند، نیاز دارد و کسانی که بی‌جهت و دلیل از پژوهش‌های علمی این نویسندگان احساس خطر کرده و بر طبل تهمت و افترا می‌کوبند بهتر است به جای کارشکنی و اتهام، دست در دست این پژوهشگران و نویسندگان جوان بگذارند و در ارتقای فرهنگی و اعتلای سطح مطالعات تاریخی و انسان شناسی استان یاریگر آن‌ها باشند.

۸ هزار میلیارد تومان از عوارض آلایندگی وصول شد

رئیس کل دادگستری استان بوشهر در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: هشتاد هزار میلیارد ریال عوارض آلایندگی و ارزش افزوده شرکت های آلاینده استان وصول شد.

مهدی مهرانگیز افزود: بخشی از این مبالغ در راستای کاهش آلایندگی واحدهای تولیدی در استان هزینه و بخشی دیگر نیز به حساب خزانه کل کشور واریز می‌شود.

وی بیان کرد: بیش از این ۵۲۰ هزار میلیارد ریال از حق آلایندگی در استان وصول شده بود.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر با اعلام این که پیش از این نیز این موضوع رسانه ای کرده بودم، عنوان کرد: در استان بوشهر ۱۴۱ فلر روشن است که باعث هدررفت گاز و آلایندگی می شود که در نامه‌ای به وزیر نفت خواستار رفع این مشکل شده‌ام. وی گفت: فقط در سکوی نفتی فروزان که مشترک بین ایران و عربستان است سالانه ۹۰ هزار میلیارد ریال گاز از طریق فلر می سوزد بدون آن که جز آلودگی محیط زیست هیچ دست آوردی برای مردم و استان ندارد. پرداخت این اعتبارات تحول مهم و چشمگیری در طرح‌های مختلف عمرانی و زیربنایی در بخش‌های راه‌سازی، ساخت فضای آموزشی، ورزشی و دیگر طرح های زیربنایی و عمران شهری و روستایی ایجاد می‌کند.

خاطرات فرهاد امینی بازیکن پیشین ایرانجوان و فوتبال تهران و بوشهر(۷)

تنها دلخوشی بوشهری‌ها، دیدن مسابقات فوتبال بود

موقع بازی ایرانجوان و شاهین، شهر تعطیل می شد

در سال ۱۳۵۲ که من در تیم ایرانجوان بازی می‌کردم، به باور من تنها و تنها دلخوشی و سرگرمی و تفریح سالم مردمان خونگرم و فهیم و متعصب بوشهری‌ها دیدن مسابقات فوتبال بود و بس، چون همواره در روز مسابقات مغازه‌های شهر اغلب باز نمی‌کردند و مردم حضوری قوی در استادیوم پیر بوشهر داشتند و این مهم در روز بازی دو تیم بزرگ و سنتی ایرانجوان و شاهین که ایران عزیز و تیم ملی و شهر بوشهر و همه دوستداران به ورزش بوشهر، وامدار به آن هستند، کاملا مشهود بود، ایرانجوان محبوب و شاهین دوست‌داشتنی (یا تابان و خلیج که همگی برگرفته از مکتب شاهین بزرگ هستند)، زمانی که در مقابل هم صف آرایی می‌کردند، به معنی واقعی شهر و بازار و برزن همگی نیم باز و یا کاملا بسته بود، شاید باورش سخت باشد تعصب و غیرت و استرس و دلهره حتی در بین ناخداهای لنجدار که بار سفر بسته بودن و راهی دریا و همه چیز مهیا بود تا امانت خود را به کشورهای همجوار از طریق خلیج همیشه فارس برسانند، وجود داشت و با بهانه‌های واهی سفر لنج را به تأخیر می‌انداختند و راهی استادیوم شهید بهشتی می‌شدند و به تماشای بازی دو تیم محبوب و دوست داشتنی‌شان، یعنی شاهین و ایرانجوان، می‌نشستند. در بین هواداران نذر و نیاز وصلوات و خیرات به راه بود.

بعضی از طرفداران هزار آتیشه و یا به قول امروزی‌ها، تیفوسی‌های هر دو تیم در زمان بازی به دریا پناه می‌آوردند و آن‌قدر دور می‌شدند که صدایی از استادیوم لِین ایرانجوان و شاهین شنیده نشود. در یکی از روزهایی که با لنج به سمت خارگ می‌رفتیم یکی از ناخداهای متعصب و حامی تیم ایرانجوان قسم می‌خورد، در ساعت بازی ایرانجوان و شاهین در یک رقابت تنگاتنگ و سخت که هر دو تیم یار کمکی گرفته بودند و نتیجه بازی خیلی حساس و حیاتی بود و بقول خودش زن طلاق، به دریا زدیم و هنوز دور نشده بودیم که شاهین یک گل زد و ما چنان ناراحت که یارای جلو رفتن نداشتیم، خیلی ناراحت شدیم و پشیمان که چرا دیر حرکت کردیم تا صدای شادی لین شاهین را نشنویم، استرس و غم شکست و تردید در رفتن داشتیم که خدا را شکر از لِین ایرانجوانی‌ها چنان هیاهو و شادی و فریادی شنیدم که فهمیدم بازی مساوی شده، خوشحال و استوار به تصمیم خود براه ادامه دادیم و رفتیم و رفتیم که دیگر صدایی به ما نمی‌رسید، شکر خدا غروب که برمی‌گشتیم با نذر و دعا به نخستین نفری که رسیدیم، پرسیدیم بازی چه شد؟ که گفتند مساوی، همان‌جا خدا را شکر کردیم و با خوشحالی به خانه رفتیم.



از راست: نادر اقدام، عباس شریفیان، فرهاد امینی، بازیکنان پیشکسوت ایرانجوان

این خاطره که حقیقی و نشان از تعصب و استقبال و دیدن فوتبال دارد، شاید بی‌نظیر باشد و در هیچ‌یک از استان‌ها اتفاق نیفتاده باشد، ولی به نوعی دیگر رسم باشد، در استقبال از فوتبال بوشهر همانا کافیست که بدانید در خانواده ها، همسران و دختران و مادران هم پیگیر بودند و در استادیوم حضور داشتند.

بعضی از این عزیزان در بوشهر معروف هستند و من از ذکر نام پاکان و فرشته‌های بوشهری خودداری می‌کنم، چرا که شاید راضی نباشند.



از راست: واهیک مینائیان، فرهاد امینی، دلو درویشی، ابراهیم آگین تهران، سال ۱۳۵۶ - رستوران سنتی سربند شمیران

پای تحلیل‌شان و پیش‌داوری و نظر کارشناسی‌شان اگر بنشینید، تعجب خواهید کرد، هر کدام‌شان، یک عادل فردوسی‌پور هستند، مردمان نجیب و مستعد و دریادل بوشهر تفریح دیگرشان دریاست و قایق ماهیگیری و به اطراف سفر کردن و در بندرگاه و چاه‌کوتاه و هلیله روزی را سپری کردن و عادات دیرینه‌شان شب‌نشینی‌های بی‌ریا وخوشگذرانی‌های پاک و بدون تعارف و غل‌وغش است که به اصطلاح خود شونشینی می‌نامند و بعضی موقع‌ها تا سحر بطول می‌انجامد که به صرف آش خوشمزه بوشهری ختم می‌شود، و آن موقع در همه این شب‌نشینی‌ها بحث شاهین و ایرانجوان بود.

اولین بازی من در امجدیه

بی شک یکی از آرزوهایم این است که خاطرات خودم را از بوشهر و فوتبال آن گردآوری کنم. همان‌طور که دوست داشتم نخست از خاطرات فوتبال در تهران را جمع آوری کنم و در یک آلبوم و یا آرشیو داشته باشم، برای فرزندان و نوه‌هایم، چون دلایل بسیاری دردل این خاطرات بود. مثلا اولین بازی من در امجدیه مقابل بهترین دفاع چپ ایران بود. آقامصطفی عرب، بازی با عقاب تهران، آن سال کاپیتان تیم ملی ایران بودن ومن تقریبا همه بازی‌هاشون را به خاطر گوش راست تیم عقاب سرهنگ خلبان عبدالله ساعدی که خیلی با تکنیک و دریبل‌زن و سرعتی بود، می‌دیدم و شماره هفت می‌پوشید، مرحوم عبدالله ساعدی خوشرو و همیشه لبخند داشت و از صورتی مهربان و زیبا هم بهره‌مند بود، بسیار بااخلاق وخوشنام، به خاطر وجهه و مقام بلندی که داشت همه بهش احترام می‌گذاشتند و شخصیتی ارتشی منظم و باکلاس بالا، با تمام فوتبالیست‌ها فرق داشت. از حیث شخصیت مانند کاپیتان عرب بود، در آن بازی من شاید کوچک‌ترین بازیکن زمین بودم خیلی کم‌سن و سال، تا جایی که خجالت می‌کشیدم در رختکن در حضور بقیه لباس‌هایم را بپوشم و لباس ورزشیم را در کناری روی صندلی نگاه می‌داشتن تا این‌که بقیه لباس ورزش بپوشند و جلوی آینه و یا در قسمت دوش‌ها و سرویس بهداشتی بروند.

بعضی اوقات مربیم چند بار به اسم صدایم می‌کرد و می‌گفت فرهاد زود باش و لباس‌هایت را بپوش و یکی دو بار هم که با لحن پرخاشگرانه و باعصبانیت بهم گفت، دیگه مجبور شدم بهشون بگم و آن‌ها تازه متوجه می‌شدند و می‌پذیرفتند و این اتفاق بارها و بارها در سال‌های بعد هم برایم پیش آمد، خوشبختانه در آن بازی من آن‌قدر خوب بازی کردم که مربی عقاب آقای فکری چندین بار به آقا عرب اعتراض کرد و در یک صحنه با یک حرکت چرخشی و تغییر جهت موقعیت گل ساختم که محرم خدابنده و مهدی حاج محمد در یک صحنه توپ را به تیر دروازه کوبیدند، همان لحظه آقا عرب که چند سال از من بزرگتر بود، بدون رودربایستی ازمن تعریف کرد و دستی روی سرم کشید و گفت آفرین پسر کارت عالی بود.

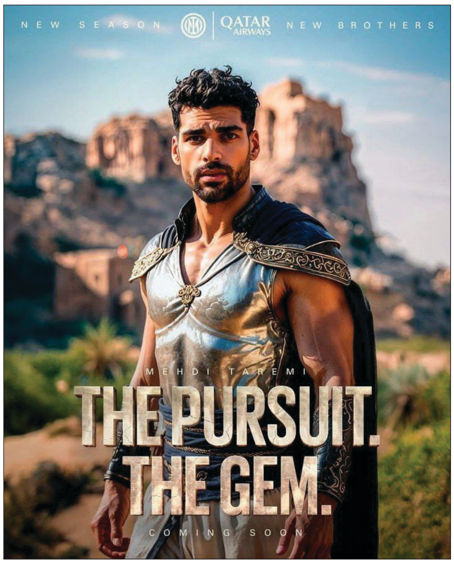


فرهاد امینی در تیم راه آهن در سال ۱۳۵۰ (نفر اول نشسته از راست)

بازی را ما با دو گل آقا فریبز اسماعیلی بازنده شدیم. اما از آن روز من جایگاهی دیگر در تیم دیهیم پیدا کردم و هرگز ذخیره نشدم و همواره نفر نخست ارنج تیم بودم و سپس سرمربی دروازه بان و بقیه نفرات را نام می‌برد.

به بهانهٔ درخشش ستارهٔ ایرانی در اینترمیلان ایتالیا

مهدی طارمی، پنجرهٔ معرفی استان بوشهر در اروپا



مصطفی صفایی/بندر کنگان: یک گل، دو پاس گل و چند موقعیت‌سازی هوشمندانه و کلی اتفاقات جذاب دیگر، چیزی بود که در بازی سه شنبه شب، مهدی طارمی، ستاره بوشهری و نام آشنای فوتبال ایران رقم زد تا در پایان بازی به عنوان بهترین بازیکن دیدار اینترمیلان با ستاره سرخ بلگراد نیز معرفی شود.

طارمی در بازی اول اینترمیلان در مقابل بهترین تیم حال حاضر اروپا یعنی منچسر سیتی نیز عملکرد قابل قبولی داشت؛ هر چند در آن بازی گلی رد و بدل نشد.

اکنون و با عمل کرد خیره کننده در بازی دوم اینترمیلان در لیگ قهرمانان، نام مهدی طارمی در بالاترین سطح ممکن در اروپا می‌درخشد. عکس‌ها و اخبار مهدی طارمی در عمده نشریات و رسانه‌های مطرح اروپا منتشر شده و به عبارتی، بخشی از محتوای رسانه‌های ورزشی معتبر اروپا به طارمی اختصاص دارد.

مهدی طارمی در سال‌های اخیر همواره جزو نامزدهای برترین بازیکن فوتبال آسیا و بهترین گلزن لیگی بوده که در آن فوتبال بازی می کند. این موضوع همواره نام طارمی را در صدر اخبار فوتبالی قرار داده است.

من اما نمی خواهم دربارهٔ فوتبال بنویسم بلکه قصد دارم به امکان معرفی هرچه بیشتر ایران و بالتبع استان بوشهر از طریق مهدی طارمی در اروپا بپردازم و این موضوع را از منظر گردش گری بررسم.

«گردش گری» به عنوان صنعت اول قرن بیست و یکم، یک صنعت مولد، درآمدزا و اشتغال‌آفرین است که بسیاری از کشورها با سرمایه گذاری و تقویت زیرساخت‌ها در این زمینه، رشد اقتصادی بالایی را تجربه کرده‌اند. در کشور ما اما هنوز آن‌چنان که باید، این صنعت رونق ندارد و نتوانسته‌ایم از فرصت‌ها و ظرفیت‌های خدادادی این آب و خاک در زمینه گردشگری به خوبی بهره ببریم.

گردشگری انواع مختلفی دارد: گردشگری فرهنگی، مذهبی، صنعتی، تجاری، ورزشی و... که هر یک از این انواع، بنا به موقعیت خاص و پتانسیل‌های موجود، مورد توجه گردشگران قرار می گیرد.

جذب و حضور گردشگر در یک کشور، یک استان، یک شهر یا یک مکان خاص، زمانی اتفاق می‌افتد که آن کشور، استان، شهر یا مکان به واسطه یک عامل، فرد یا گروه، به خوبی معرفی شود.

بنابراین، معرفی و شناخته شدن مکان مورد نظر، ضرورت اصلی و ابتدایی مبحث گردش گری است؛ به عبارتی ساده‌تر، با معرفی یک مکان، بخت حضور گردشگر در آن‌جا افزایش پیدا می‌کند. البته نوع معرفی و میزان جذابیتی که در معرفی یک مکان، شهر یا استان وجود دارد، می‌تواند در بحث جذب گردشگر تأثیرگذاری بالایی داشته باشد.

ورزش و به‌ویژه ورزشکاران موفق، خوش‌نام و محبوب، یکی از عوامل بسیار مهم و ماندگار در معرفی یک شهر، استان، کشور یا حتی برند کردن یک چیز یا کالای خاص می‌توانند باشد. اما باید در نظر داشت موفقیت، شهرت و محبوبیت در ورزش نیز امری نیست که به سادگی رخ دهد. نمونه خارجی و موفق این مقوله، «کریستیانو رونالدو» است که مدنظر این نوشتار نیست بلکه می خواهم از بارزترین و محبوب‌ترین نمونه داخلی در مبحث ورزش بگویم که بی‌تردید «مهدی طارمیِ» ما بوشهری‌هاست؛ الماس بوشهر.

دقیقاً یک دهه از کشف او در فوتبال ایران می‌گذرد و در این مدت، همه مراحل رشد، موفقیت، شهرت و محبوبیت را طی کرده و به دست آورده است.

از ایران‌جوان بوشهر آغاز کرد و سپس به پرسپولیس پیوست که سکوی پرتاب او در موفقیت، شهرت و محبوبیت شد. طارمی اما با روحیه سیری‌ناپذیر از موفقیت‌های روزافزون، به جایگاه و شهرتی که در پرسپولیس داشت، بسنده نکرد.

با به ثمر رساندن دو گل در برابر رقیب دیرینه – یعنی استقلال– و همچنین به ثمر رساندن آن پنالتی حساس و جنجالی به صورت چیپ به تیم النصر عربستان در لیگ قهرمانان آسیا (در مقابل دیدگان ۱۰۰ هزار تماشاگر داخل ورزشگاه آزادی و میلیون‌ها بیننده تلویزیونی در سراسر ایران، آسیا و حتی جهان)، همچنین کسب آقای گلی در دو فصل ۹۵-۱۳۹۴ و ۹۶-۱۳۹۵، به سرشناس‌ترین، محبوب‌ترین و موفق‌ترین چهره فوتبالی ایران در آن مقطع تبدیل شد. طارمی در دو دوره جام ملت‌های آسیا و دو جام جهانی برای تیم ملی ایران بازی کرده و حتی موفق به زدن ۲ گل در مقابل تیم ملی انگلستان نیز شد. او همچنان عضو ثابت و اصلی تیم ملی فوتبال ایران است. با این کارنامه قوی به تیم الغرافه قطر پیوست و پس از آن برای ریوه آوه پرتغال و سپس پورتو پرتغال توپ زد. در مدت حضور خود در لیگ پرتغال افتخارات زیادی را به دست آورد و از آن جمله دو بار کسب عنوان بهترین گلزن لیگ پرتغال، یک بار بهترین پاسور لیگ پرتغال، قهرمانی در این لیگ، قهرمانی در جام حذفی و سوپرجام پرتغال، حضور چندباره در لیگ قهرمانان اروپا و گلزنی در این رقابت‌های مهم و بسیار پربیننده. در تمام این مدت و در همه این اتفاقات جذاب و هیجان‌انگیز که برای مهدی طارمی رخ داد، نام ایران و استان بوشهر نیز به همان اندازه مورد توجه، پی گیری، تحقیق و جستجوی علاقه‌مندان اروپایی، آسیایی و سایر نقاط جهان قرار گرفت.

طارمی در تابستان امسال با یک قرارداد سه‌ساله به تیم فوتبال اینترمیلان ایتالیا پیوست. پس از حدود دو دهه از حضور علی دایی، علی کریمی و وحید هاشمیان در یک تیم تراز اول در سطح اروپا، یعنی بایرن مونیخ، اکنون شاهد حضور یک ایرانی دیگر در یک تیم بزرگ، قهرمان و بسیار پرطرفدار، یعنی اینترمیلان هستیم.

در اوایل مرداد ماه ۱۴۰۳ علی دایی اسطوره فوتبال ایران و جهان در گفت و گو با روزنامه گاتزتا دلو اسپورت ایتالیا، دربارهٔ مهدی طارمی گفت:

«با توجه به آن‌چه که طارمی در پورتو طی ۴ سال گذشته انجام داده، با انتقال آزاد، این یک معامله باورنکردنی است. بیش از ۹۰ گل زده، گل‌های تعیین‌کننده در لیگ قهرمانان و چندین جام. عملکرد طارمی تایید شده است. طارمی می‌تواند با هر شرایطی سازگار شود. به عنوان مهاجم اول یا دوم، در کنار یک شماره ۱۰ یا یک شماره ۹ خالص. هوش فوتبالی طارمی چیزی است که او را از سایرین متمایز می کند. طارمی زیاد حرکت می کند و به همین دلیل مدافعان را شگفت‌زده می کند.

علاوه بر این، او فیزیکی هم هست. هیچ دوئلی را نمی‌بازد و گرفتن توپ از او آسان نیست. او این ویژگی را با کیفیت فنی بالایی در مرحله نهایی ترکیب می کند که ممکن است از او انتظار نداشته باشید.

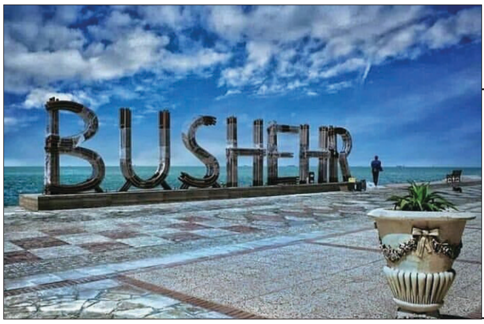
طارمی خارج از زمین فروتن، محترم، با ارزش است. طارمی هرگز فراموش نکرده از کجا آمده، ریشه‌هایش و شهری که در آن به دنیا آمده، یعنی بوشهر را فراموش نمی‌کند. او شخصیت بزرگی دارد. تاکنون فرصتی برای صحبت با او نداشته‌ام، اما مطمئنم که خوب عمل خواهد کرد و مهم‌تر از همه، گلزنی می‌کند. هواداران اینتر می‌توانند با داشتن طارمی، آسوده‌خاطر باشند.»

باشگاه اینتر میلان ایتالیا در اولین اقدام برای معرفی بازیکن جدید خود، ویدئویی بسیار جذاب از طارمی منتشر کرد که در آن نام «خلیج فارس» خودنمایی می‌کرد و تعدادی از آثار باستانی ایران، از جمله تخت جمشید، به مخاطب معرفی می‌شد. این کلیپ را می‌توان یکی از مؤثرترین تبلیغات درخصوص نام خلیج‌فارس در سطح جهانی قلمداد کرد که به واسطه مهدی طارمی اتفاق افتاد.

اما در این فصل که طارمی رسماً عضو باشگاه بزرگ و پرافتخار اینترمیلان است، بیش از هر زمان دیگری مورد توجه رسانه‌های اروپا و جهان قرار دارد. از لحظه‌لحظهٔ زندگی ورزشی و حتی تمرینات وی، کلیپ، خبر، گزارش و عکس به کل جهان مخابره می‌شود.

طارمی بیش از هر زمان دیگری در کانون توجه، شهرت، محبوبیت و موفقیت قرار دارد و از همین رو، هواداران زیادی در سراسر اروپا و جهان با شوق و علاقه از سرزمین مادری و استان محل تولد این الماس بوشهری پرس‌وجو می‌کنند و مشتاقانه مایل اند در وهله اول کشور ایران و در مرحله دوم استان بوشهر، یعنی محل تولد یکی از بهترین و کامل‌ترین مهاجمان تاریخ فوتبال ایران [در دو دهه گذشته را بشناسند و اگر فرصتی دست دهد، برای گردشگری به محل تولد این ستاره فوتبال سفر کنند.

بدون شک، پس از علی دایی [بازنشستگی ۲۰۰۶] تاکنون، کامل‌ترین، موفق‌ترین، محبوب‌ترین و سرشناس‌ترین مهاجم تاریخ فوتبال ایران را باید مهدی طارمی دانست؛ با این تفاوت که گسترش فناوری ارتباطی در دنیا و شبکه‌های اجتماعی، میزان محبوبیت و دامنه معروفیت این فوتبالیست را با سرعت بالاتری در سطح جهان منتشر کرده است و همین خود یک فرصت مناسب برای معرفی بهتر استان بوشهر ما به گردشگران داخلی و خارجی است. می‌توان با استفاده از این موقعیت طلایی، توجه بسیاری از گردشگران را به استان بوشهر جذب و موجبات رونق صنعت گردشگری را در این استان فراهم ساخت و دست کم نام بوشهر را در گوش دوست‌داران فوتبال او طنین انداز کرد./ عصر ایران



صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

سلامی و کلامی...

وفاق‌شکنی نفتی‌ها علیه مدیریت استان بوشهر

دکتر یونس قیصی‌زاده



در کمال تعجب، وزیر تازه انتخاب شده نفت در یک اقدام غیرمتعارف، بدون اطلاع و هماهنگی با مدیران ارشد استان بوشهر، وارد این استان شد. در این خصوص چند نکته قابل تذکر است:

۱ - مجموعه دولت شامل هیات دولت و زیرمجموعه آن‌ها شامل استانداران و فرمانداران و... همگی در یک مجموعه در حال خدمت به مردم هستند. در این شرایط که باران مشکلات از آسمان و در و دیوار بر سر مردم می‌بارد و هر روز با محرومیت و کمبودی جدید روبرو می‌شوند، بروز و نمایش اختلاف در همان مجموعه دولت که چندان هم در رفع مشکلات مردم در همه این سال‌ها موفق نبوده‌اند، نه تنها باعث کندتر شدن چرخه خدمت آن‌ها می‌شود، بلکه در نهایت دود این اختلاف درون‌مجموعه‌ای هم به چشمان مردمی می‌رود که امید دارند دولت کاری برای رفع مشکلات‌شان انجام دهد.

۲- در حالی که شعار اصلی دکتر پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهور، ایجاد وفاق است، چگونه است که وزرای این دولت، به وفاق با مسئولان استان مهم و انرژی‌خیزی همانند بوشهر بی‌توجه هستند و در کمال بی‌احترامی به مجمع نمایندگان استان، استاندار، فرماندار و دیگر مدیران مربوطه، اقدام به حضور در استان بوشهر می کنند؟!

۳ - وظیفه مهم وزارتی همانند نفت که مسئول اصلی آلودگی‌های محیط زیستی منطقه، ازدیاد آسیب‌های اجتماعی، بیکاری گسترده به خاطر عدم به کارگیری نیروهای بومی استان، تخریب زیرساخت‌های اقتصاد بومی و... و در یک کلام سخت‌تر شدن زندگی مردم منطقه است، توجه ویژه به مسائل و مشکلات مردم همین منطقه است. سفر وزیر نفت دولتی که رئیس‌جمهورش به مردمی بودن مفتخر است، بدون توجه به درخواست‌ها و مطالبات مردم استان بوشهر، جز دهن‌کجی به مردم نجیبی که انتظار دارند وزارت نفت اقدامی برای عمل به مسئولیت‌های اجتماعی خود در منطقه انجام دهد، نشان از چه چیز دیگری دارد؟

۴ - آیا پشت چنین بی‌توجهی وزارت نفت و صنایع نفت و گازی در استان، همان تفکر قدیمی نیست که فقط تمرکز ماشینی بر فعالیت جزیره‌ای خود دارند و بی‌توجه به مشکلات و عواقب فعالیت‌های نفتی و گازی برای مردم منطقه هستند؟ چنین تفکری با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر شاغلان صنایع نفت و گاز در همجواری با مردم استان بوشهر منافات دارد و باعث بیگانگی مردم منطقه با این فعالیت‌ها و شاغلان زحمتکش می‌شود.

۵ - در این جریان نمی‌توان ضعف مدیریت ارشد و مجمع نمایندگان استان بوشهر را نادیده گرفت. خصوصاً این‌که یکی از نمایندگان استان، رئیس کمیسیون انرژی مجلس هم هست و هماهنگی این کمیسیون با وزارت نفت، حداقل انتظاری است که از ایشان می‌رود.

۶- عواقب چنین تصمیماتی، جدایی کامل وزارت نفت و صنایع نفت و گاز مستقر در استان، از استان بوشهر است. وزارت نفت باید مسئولیت آن‌چه را که در استان به واسطه حضورش به‌وقوع پیوسته، بپذیرد و تجربه تلخ مسجد سلیمان را در عسلویه و دیگر شهرهای درگیر در فعالیت‌های نفت و گاز تکرار نکند. هوشیاری مردم استان، دلسوزی مدیران و شاغلان نفت و گاز در توجه به مسائل و مشکلات مردم منطقه و همچنین پیگیری مدیران و نمایندگان استان، می‌تواند وزارت نفت را به طور مستقیم در توسعه کل استان بوشهر به عنوان بازیگری تاثیرگذار وارد کند.

۷- در این شرایط ضروری است که مدیران ارشد، مجمع نمایندگان و همچنین گروه‌های با نفوذ استان، برای اصلاح و تغییر این نگاه ناموجه و غیرمحترمانه بالا به پایین، جلوگیری از ادامه بی‌توجهی وزارت نفت و جدا کردن خود از آن‌چه به واسطه حضور آنان در استان می‌گذرد، اعتراض خود را با خطاب به رئیس‌جمهور اعلام نمایند تا جلوی این رویه اشتباه که وزیر تازه‌نفس نفت بنا گذاشته است، گرفته شود و بیش از این به رابطه نیمه‌جان صنایع نفت و گاز و مطالبات مردم استان بوشهر آسیب وارد نیاید.

۸- جناب آقای وزیر! اگر در این کشور وزارتی با عنوان وزارت نفت وجود دارد و شما بدین‌واسطه چند سالی خلعت وزارت پوشیده‌اید، به خاطر وجود استان‌های ثروتمند و در عین حال مظلوم و محرومی همچون بوشهر و خوزستان است. خود نیز می‌دانید که چند سالی بیش میهمان این سمت و صندلی نخواهید بود. لطف فرموده حرمت صاحبخانه را نگه دارید!



خاطرات تصویری



تیم فوتبال مدرسه راهنمایی حکیم نظامی بندر بوشهر در سال ۱۳۶۲

ایستاده از راست: ماشااله ناری (معلم ورزش)، عبدالخالق رحمانی، حسین شاطریان، مرحوم مصطفی گلستانی، شهید کریم تنگستانی، ضیاء هاشمی، عبدالخالق ناجی، نجات دعایی، محمود غریبی.
نشسته: عبدالخالق رضایی، محمد تقی بختیاری‌آزاد، علی میرشکای، احمد دشتی، مهدی صالحی‌زاده، داریوش کامیاب، عباس ارکیان.